

شهروندی

ملیحه شیانی*، طاهره داودوندی**

مقدمه

تاریخ دیرپای حیات اجتماعی-سیاسی انسان نمایانگر طیف‌های متنوعی از الگوهای زندگی است که در میان آنها، «الگوی شهروندی» از اعتبار به مراتب بیشتری برخوردار و کم و بیش مورد تأیید اکثر صاحب‌نظران و پژوهشگران اجتماعی و سیاسی است. بر طبق این الگو، شهروندی اصلی است ناظر بر روابط دولت و اعضای جامعه. یعنی از یک سو به امتیازات دولت و حقوق افراد و از سوی دیگر به فرایندهای تاریخی و مناسبات برخاسته از آن مربوط می‌شود. با اینکه شهروندی اعتبار فرد را در جامعه مشخص می‌کند، همزمان بر بسترهای اجتماعی که فرد در آنها رفتار می‌کند نیز تأکید دارد.

به این ترتیب می‌توان شهروندی را بیانگر دو اصل مهم دانست، اول موقعیتی که افراد برحسب حقوق و تکالیف خود کسب

می‌کنند و دوم شرایطی که جامعه برای کسب این موقعیت پدید می‌آورد. بر همین اساس، توسعه‌یافتگی هر جامعه نقش بسزایی در تحقق شهروندی ایفا خواهد کرد. چنانچه ساختار جامعه و به تبع آن، نظام سیاسی و حقوقی آن مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک باشد، نهادهای اجتماعی موجود می‌توانند اهداف مطلوب در جهت ایفای حقوق اعضای آن جامعه را برآورده سازند. به بیان دیگر، عضویت افراد در این جوامع با موقعیت شهروندی آنان نشان داده می‌شود.

۱. تعاریف

مفهوم شهروندی را اندیشمندان قرون گذشته کم و بیش مطرح

کرده و به کار برده‌اند، اما تا به امروز در کاربردهای مختلف ابعاد جدیدی یافته است چنانکه در دوره جدید، با تأکید بیشتر بر بار حقوقی این مفهوم، مبنای ایجاد یک سلسله حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی برای شهروندان شده است. در فرهنگ جامعه‌شناسی «شهروندی منزلی است که موجبات برخورداری از حقوق و قدرت‌ها را فراهم می‌کند» (آبرکرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ۶۵).

در دانشنامه علوم اجتماعی «شهروندی موقعیتی حقوقی است که دولت تعیین می‌کند. امروزه، حقوق و مسئولیت‌های برابر به همه شهروندان اختصاص داده می‌شود چرا که وجود شهروندان درجه دوم بر مبنای محل تولد، محل اقامت، جنسیت، اعتقاد، رفتارها، نژاد و طبقه دیگر قابل پذیرش نیست» (Kuper and Kuper, 2001:85). در دانشنامه بریتانیکا آمده است: «مفهوم شهروندی در معنای مدرن آن ناظر بر ارتباط فرد و دولت است که در طی آن، از سویی فرد متعهد به وفاداری نسبت به دولت و از طرف دیگر مستحق حمایت از جانب دولت است.» در تعریف مذکور سه نکته اساسی وجود دارد: «۱. شهروندی منحصر به ارتباط فرد و دولت است؛ ۲. این ارتباط متضمن حقوق و تکالیف معینی است؛ و ۳. شهروند وظیفه وفاداری به دولت را نیز به عهده دارد» (فری، ۲۰۰۳: ۹۶ به نقل از یوسفی و عظیمی هاشمی، ۱۳۸۷: ۵).

اولین فرهنگ فارسی که کلمه شهروند در آن وارد شده است فرهنگ فارسی/امروز است. در این فرهنگ، شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار گردد» (صدری افشار و دیگران، ۱۳۶۹).

در تعریفی دیگر، شهروندی به عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن و فراگیر مجموعه‌ای است به هم پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی، ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و مشارکت

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی

پشتیبانی واقعی نمی‌کنند بلکه در اغلب موارد موانعی جدی بر سر راه آن به وجود می‌آورند (زاهدی، ۱۳۸۶).

اهمیت شهروندی در توسعه، در قالب مؤلفه‌های اصلی اجتماعی، در دیدگاه‌ها و نظریه‌های اجتماعی و سیاسی کلاسیک و مدرن مورد بررسی قرار گرفته است. لیبرال‌ها شهروندی را مجموعه حقوق فردی تعریف می‌کنند که بایستی خواسته شود و به دست آید، در حالی که جمهوری‌خواهان بر تعهدات و وظایف شهروندی تأکید دارند و شهروندی را به معنای مشارکت فعال در اجتماع سیاسی می‌دانند. دیدگاه‌های جدید در هر دو دسته به وابستگی متقابل این حقوق و وظایف توجه دارند و معتقد به نقش و تأثیر این دو بعد در روند توسعه هستند.

در حوزه جامعه‌شناسی نیز افرادی نظیر مارکس، هابرماس، ترنر، مارشال، ژانوسکی، پارسونز و وبر در زمینه شهروندی نظریه‌پردازی کرده‌اند. در هریک از این نظریه‌ها، ارتباط شهروندی با جامعه و عناصر تشکیل‌دهنده آن مطرح شده است.

مارکس با زیربنا قرار دادن منابع اقتصادی و روبنا قرار دادن آگاهی و شعور انسان‌ها به شهروندی و حقوق مربوط به آن توجه دارد و تحقق آن را مستلزم تغییرات بنیادی در عرصه زیربنا و حذف نظام سرمایه‌داری و نابرابری‌ها و توسعه‌یافتگی واقعی می‌داند (Marx, 1967).

هابرماس معتقد است که شهروندی برخاسته از شکل‌گیری حوزه‌ی جدیدی به نام حوزه عمومی است که جایگاه برون‌ریزی ارزش‌ها و تضادهاست و با همسویی فکری و رفتاری، زیربنای تکامل اجتماعی و توسعه انسان‌ها و جوامع را فراهم می‌سازد (Habermas, 1994).

ترنر نیز شهروندی را مجموعه حقوق و وظایف قانونی و رسمی هر فرد در دولت و جامعه سیاسی معین تعریف می‌کند. بر این اساس است که شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. وی به نقش شرایط توسعه‌یافته اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه و افراد توجه دارد (Turner, 2000).

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کنش اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و آن را نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود و در فرایند توسعه‌یافتگی و تکامل اجتماعی شکل می‌گیرد

مؤثر همگانی، به همراه برخورداری عادلانه و منصفانه تمام اعضای جامعه از مزایا و منابع و امتیازات فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی (صراف و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

مطالعات متعدد و گسترده در زمینه شهروندی نشان می‌دهد که شهروندی در طول تاریخ و در جوامع مختلف پدیده‌ای واحد و یکپارچه نبوده و ارائه تصویری ایستا از آن خطاست، اما بنیاد اصلی و پایه اساسی آن پذیرش حقوق و تکالیف قانونی و سیاسی ناشی از جایگاه شهروندی است. این جایگاه دربردارنده احساس تعلق به جامعه است که هویت شهروندی را فارغ از هر نوع تعلق طبقاتی، نژادی، قومیتی، مذهبی و... شکل می‌دهد. بنابراین، تعریف شهروندی در گزارش حاضر مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف و احساس تعلق به جامعه در نظر گرفته شده است.

۲. رویکرد نظری: شهروندی و توسعه

در مباحث جدید توسعه بر پیوند ناگسستنی میان «توسعه»، «مدرنیته» و «شهروندی» تأکید می‌شود. چنانکه تاریخ نشان داده، پنج مؤلفه اصلی اجتماعی یعنی عقلانیت، دموکراسی، مدرنیته، شهروندی، و مشارکت در فرایند توسعه نقش مؤثری داشته‌اند.

در حقیقت، توسعه بدون مدرنیته و شهروندی فرایندی ناقص و اغلب نافرجام است. ارزیابی الگوها و فرایندهای توسعه نشان می‌دهد که می‌توان آن را به دو نوع کاملاً متمایز توسعه طبیعی یا خودانگیخته و توسعه تجویزی یا تحمیلی تقسیم کرد. توسعه طبیعی یا خودانگیخته در چارچوب تمدنی ویژه و تحت شرایط بین‌المللی خاص پدید آمده، در حالی که توسعه تجویزی یا تحمیلی نام عمومی فرایندهایی است که با قصد نیل به نوع آرمانی تمدن غربی مطرح شده و انتظار می‌رود از طریق کاربست الگوهایی چند، نظیر الگوی توسعه صنعتی، الگوی توسعه کشاورزی، الگوی توسعه صادرات، و الگوی جایگزینی واردات، محقق شود. توسعه طبیعی مبتنی بر عقلانیت، مدرنیته و شهروندی است و می‌تواند به پیدایش یک نظام سیاسی پشتیبانی‌کننده از خود یعنی «نظام سیاسی لیبرالیسم قانونمند» یا «لیبرال دموکراسی کامل و تمام‌عیار» منجر شود و به الگوی سیاسی- اجتماعی دولت رفاه‌بخش بینجامد که به نوبه خود مقوم و مروج عقلانیت و مدرنیته و شهروندی است. توسعه تجویزی، به دلیل فقدان عناصر مدرنیته و عقلانیت و شهروندی، به نظام سیاسی توتالیتر یا الگوهای شبه‌دموکراسی یا لیبرالیستی ناقص منجر می‌شود که نه فقط از فرایند توسعه

(Parsons, 1965).

به زعم مارشال، شهروندی موقعیت اعطاشده به هریک از اعضای جامعه است و بر این اساس، همه اعضای اجتماع با هم برابرند. وی حقوق شهروندی را شامل سه دسته حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می‌داند. این حقوق از قرن هجدهم به بعد به صورت تکاملی و به واسطه ایجاد نهادهای مناسب در جوامع توسعه یافته تحقق یافته است (Marshall, 1964). در بسط نظریه وی، ژانوسکی حقوق مشارکتی را به این سه دسته حقوق می‌افزاید (Janoski, 1998).

دارندروف شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق برابر در جهت مشارکت تمام کسانی می‌داند که عضو کامل یک اجتماع هستند و از فرصت‌ها و تعهدات مقرر و قانونی برخوردارند، و به عضویت فرد در جامعه و رابطه دولت-ملت مربوط می‌شود. وی معتقد است که در دوره مدرن، شهروندی دستخوش آسیب‌های جدی شده و گسترش حقوق شهروندی کامل برای همه وظیفه اصلی سیاست اجتماعی است (Dahrendrof, 1994).

وبر مفهوم شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت-شهرهای دنیای کلاسیک روم و یونان باستان در ارتباط می‌داند، فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی کنشگران اجتماعی. وی این مشخصه را منحصر به غرب می‌داند (ذکائی، ۱۳۸۰: ۶۹). وبر فرایند دموکراتیک شدن جوامع را یکی از روندهای اصلی توسعه جهان مدرن و تنها راه عملی شدن آن را در دولت‌های بزرگ ملی، دموکراسی نمایندگی می‌داند که در آن، شهروندان قدرت تصمیم درخور توجهی به مقامات رسمی انتخابی می‌دهند (کیویستیو، ۱۳۸۰: ۸۷).

با توجه به این تفاوت‌ها در سنت‌های شهروندی، ترنر نتیجه می‌گیرد که اتخاذ یک نظریه واحد برای شهروندی نامناسب است و شهروندی در شرایط متفاوت مدرنیزاسیون سیاسی و اجتماعی شکل گرفته و توسعه یافته است (Turner, 1994: 12). به اعتقاد ترنر، شهروندی با توسعه مرتبط است و نیروهای حامی مدرنیزاسیون توسعه‌دهنده شهروندی هستند.

به این ترتیب، بسیاری از نظریه‌پردازان شهروندی را معرف اصلی توسعه یافتگی دانسته و آن را به گونه‌های متفاوت تحلیل کرده‌اند. مارکس شهروندی را در دنیای توسعه یافته نقابی بر واقعیت‌های پنهان شده نظام سرمایه‌داری تلقی کرده است. هابرماس

دسترسی برابر به مشارکت در قالب اجتماعات گفتمانی و جامعه مدنی را، با کنش عام و عقلانیت، گام اصلی به سوی تکامل اجتماعی و توسعه یافتگی دانسته است. در صورتی که وبر، مارشال، ژانوسکی و پارسونز ارتباط توسعه و شهروندی را در قالب شکل‌گیری انواع حقوق در جوامع توسعه یافته بیان کرده‌اند.

در مجموع، توسعه و شهروندی دو روی یک سکه‌اند. حتی در بیان ضرورت و اهمیت مسئله شهروندی گفته شد که شهروندی هدف توسعه نیست بلکه خود توسعه است. یعنی دولت و جامعه توسعه یافته آن است که سطح حداقلی و متناسب زندگی را در ابعاد آموزش، آزادی‌های مدنی، مشارکت و... برای اعضایش فراهم ساخته باشد.

همچنین توسعه به مثابه واقعیتی مادی و غیرمادی تعریف شده است که جامعه برحسب آن و با فرایندهای اجتماعی و اقتصادی و نهادی، امکاناتی برای دستیابی به زندگی بهتر تأمین می‌کند. بنابراین، تحقق توسعه همه‌جانبه مسیر دستیابی به شهروندی را در جامعه هموار می‌کند و، از سوی دیگر، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت تحقق شهروندی خودبخود توسعه را به دنبال خواهد داشت.

۱.۲. منشورهای بین‌المللی حقوق شهروندی

در برداشت امروزی از توسعه، به‌ویژه توسعه اجتماعی با محوریت انسان، نگرش بخشی به آن مردود دانسته شده و تعهداتی نظیر تدارک اصول سیاست اجتماعی و اقتصادی، تقویت روبه‌ها و نهادهای رشد سازمان‌های جامعه مدنی، و تضمین آزادی انجمن‌ها برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است. تدوین منشور حقوق شهروندی گامی عملی و اجرایی در این جهت بوده است. از این رو، بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، در قالب منشور حقوق شهروندی، زیربنایی را برای احقاق و دستیابی به حقوق شهروندی تدوین کرده‌اند.

نخستین منشورهای شهروندی برای حفظ حقوق مردم در تمدن سومر شکل گرفت که معروف‌ترین آن «قانون حمورابی» حاکم بابل بوده است (پیران، ۱۳۸۰: ۱۷). از معروف‌ترین منشورهای جهانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه: این اعلامیه با الهام از اعلامیه ویرجینیا (که سند جدا شدن مهاجرنشین‌های امریکای شمالی از بریتانیای کبیر و تبدیل آنها به ایالت‌های آزاد بود) در سال

یکدیگر تفکیک شده‌اند. این هفت بخش شامل شأن و منزلت، آزادی و استقلال، مساوات و برابری، حقوق اجتماعی و حقوق کارگران، حقوق شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، عدالت، تفسیر و موارد کاربرد آن در عمل است.

منشور مردم: منشور مردم در سال ۲۰۰۱ بر مبنای یکی از معتبرترین اسناد حقوقی انگلیس به نام منشور کبیر نوشته شد و یکی از نخستین اسناد حقوقی در دوران جدید است. این بازنویسی ناشی از توجه بشریت به حقوق بشر بود تا تأکیدی بر این سند و تعهد دوباره نسبت به تحقق این حقوق باشد.

منشور جهانی حقوق شهری: این منشور که عمدتاً به مباحث شهر و شهرنشینی و حقوق ساکنان شهرها می‌پردازد، در مباحثه جهانی شهری ۲۰۰۴ بارسلونا و مباحثه اجتماعی قاره آمریکا که در سال ۲۰۰۴ در کیوتو برگزار شد نگارش یافت. با توجه به جامعیت این منشور، اسناد دیگری نظیر آن منتشر شد، از جمله منشور رهبران سازمان‌های آسیا در سال ۲۰۰۵ در فیلیپین. این منشور به لحاظ اعتبار، جامعیت، گستره پذیرش، حوزه اثرگذاری، و نیز شیوه تدوین آن از طریق اجماع نسبی صاحب‌نظران شرکت‌کننده از کشورهای گوناگون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۳۹).

علاوه بر موارد فوق، امروزه در تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان منشورها و برنامه‌های شهروندسازی تدوین شده که مبنای تعاملات میان اعضای جامعه و نهادهای مختلف نظیر شهرداری و پلیس است. نکته قابل تأمل آن است که با وجود آنکه در کشور ایران، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر پذیرفته شده و اصطلاح «منشور حقوق شهروندی» در لایحه برنامه چهارم توسعه و به تبع آن ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم گنجانده شده، هنوز منشور شهروندی تدوین نگردیده است.

۲.۲. سنت‌های شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی

شهروندی از جمله مفاهیم اساسی در شناخت و توصیف جایگاه انسان به شمار می‌رود. آنچه انسان معاصر را از انسان قرون گذشته متمایز می‌سازد، هویت شهروندی اوست. اما این مفهوم تحت تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دستخوش تغییر معنایی شده و در کشورها و دوره‌های تاریخی مختلف معانی متفاوتی داشته است.

۱۷۸۹ پس از انقلاب کبیر فرانسه در صحن مجمع عمومی فرانسه تصویب شد و به مثابه مادر بسیاری از اعلامیه‌های حقوق شهروندان است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر: این اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. اعلامیه جهانی حقوق بشر به همه انسان‌ها تعلق دارد و مشتمل بر دیباچه و ۳۰ ماده است. مواد ۱ و ۲ بر آزادی و برابری و برادری مبتنی است و سایر مواد آزادی‌های شخصی تا اصول ملل متحد و وظایف فرد در برابر جمع را دربرمی‌گیرد.

منشور افریقایی حقوق مردمان و بشریت: این منشور حاصل یک گردهمایی در سال ۱۹۸۱ است و ضمانت اجرایی قانونی دارد. این منشور تلاشی است در جهت احقاق حقوق مردم افریقا و به همین دلیل از محبوبیت و اعتبار ویژه‌ای در گستره افریقا برخوردار است.

منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها: این منشور در سال ۱۹۸۲ نگاشته شد و دیدگاه مردمان آمریکای شمالی را در مورد حقوق شهروندی بیان می‌دارد. این سند دارای بخش‌های حقوقی و قضایی مهمی است اما از جامعیت کافی برخوردار نیست.

منشور شهر شیبویای ژاپن: این منشور با دیدگاهی جامع و آینده‌نگر در سال ۱۹۹۷ نگاشته شد و کاملاً به یک شهر مدرن اختصاص دارد. همچنین حاوی اشارات ظریفی به دیدگاه‌های آسیایی است. این منشور از حیث اینکه ویژه استفاده در یک شهر خاص است و از لحاظ توجه به آینده و الزامات آن منشوری استثنایی به شمار می‌رود.

منشور اروپایی حقوق: این منشور در سال ۲۰۰۰ با توجه به حادثه اجتماعی مهم جهان، یعنی تحقق اروپای واحد نگاشته شد و از جامعیت کافی برخوردار است. ویژگی منحصر به فرد این منشور اعتبار فوق‌العاده ناشی از تصویب در پارلمان است. مفاد این منشور با توجه به عهدنامه حقوق بشر اروپا (ECHR)^۱، قوانین مربوط به محکمه عدالت اروپا^۲ و همچنین مفاد قانون اتحادیه اروپا^۳ وضع شده‌اند. این منشور شامل ۵۴ ماده است که در هفت بخش از

1. European Charter of Human Rights

2. European Court of Justice

3. European Union Law

که اشاره شد، شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف رسمی و غیررسمی و دربردارنده احساس تعلق به جامعه است. هریک از این عناصر دارای ابعاد متعدد و متفاوتی هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مطالعه جامعی در مورد همه عناصر تشکیل‌دهنده شهروندی در سطح جهان صورت نگرفته و تنها برخی از ابعاد به‌ویژه بعد حقوقی در کشورهای مختلف ارزیابی شده‌اند. در ادامه به بعضی از شاخص‌های حقوقی شهروندی در برخی کشورهای جهان اشاره می‌شود.

۱.۳. حقوق مدنی

«حقوق مدنی شامل آزادی از انواع مشخصی از تجاوز غیرقانونی به‌ویژه به وسیله دولت است» (همان: ۲۲۸)، مانند حق برخورداری از آزادی بیان و عقیده و مذهب، و ممنوعیت تبعیض براساس جنس، نژاد، زبان و عقیده. ابتدا اشاره‌ای کلی به وضعیت آزادی در سطح جهان می‌کنیم و سپس به بررسی سایر مؤلفه‌های مرتبط با این شاخص می‌پردازیم.

آزادی

آمار نشان می‌دهد که در مقیاس جهانی، ۸۹ کشور (۴۶ درصد) جزو کشورهای آزاد به حساب می‌آیند، در ۵۸ کشور (۳۰ درصد) آزادی نسبی وجود دارد، و ۴۷ کشور (۲۴ درصد) به عنوان کشورهایی شناخته شده‌اند که آزادی در آنها جریان ندارد. براساس تقسیم‌بندی قاره‌ای، در قاره آمریکا ۲۵ کشور آزاد، ۹ کشور نسبتاً آزاد و یک کشور بدون آزادی وجود دارد. این آمار در مورد آسیا و اقیانوسیه حکایت از وضعیت وخیمی دارد به گونه‌ای که در میان کشورهای این قاره، تنها ۱۶ کشور آزاد وجود دارد، ۱۵ کشور از آزادی نسبی برخوردارند و ۸ کشور نیز به عنوان کشورهایی معرفی شده‌اند که آزادی در آنها جریان ندارد. در کشورهای اروپای شرقی و اروپای میانه و کشورهای شوروی سابق، ۱۴ کشور آزاد، ۷ کشور با آزادی نسبی و ۸ کشور بدون آزادی وجود داشته است. در میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی، تنها یک کشور آزاد وجود داشته، ۱۴ کشور آزادی نداشته‌اند و ۳ کشور از آزادی نسبی برخوردار بوده‌اند. مناطق صحرایی آفریقا نیز شامل ۹ کشور آزاد، ۲۳ کشور نسبتاً آزاد و ۱۶ کشور بدون آزادی بوده است. در نهایت، اروپای غربی از لحاظ آزادی در بهترین وضعیت نسبت به دیگر مناطق دنیا قرار دارد، به گونه‌ای که در این منطقه تنها یک کشور نسبتاً آزاد وجود

به این ترتیب، در سنت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف، گونه‌های متفاوتی از شهروندی شکل گرفته است. مارشال در مقاله «شهروندی و طبقه اجتماعی» (۱۹۹۴)، با بررسی تضادهای نهفته در شکل‌بندی‌ها و صورت‌های سرمایه‌داری و طبقه اجتماعی در بریتانیا، توضیح می‌دهد که مفهوم شهروندی در این کشور با موضوع «طبقه اجتماعی» عجین شده است. ترنر در یک بررسی توضیح می‌دهد که در فرانسه یا آمریکا نوعی سنت «شهروندی فعال» وجود دارد، اما در بسیاری کشورهای دیگر که نگاه از بالا به پایین دولتی بر شهروندی حاکم است نوعی «شهروندی منفعل» شکل گرفته است. وی همچنین شرح می‌دهد که با توجه به تمایز بین عرصه خصوصی و عمومی و میزان تأکید بر آن، می‌توان تلقی‌های متفاوتی از شهروندی در سنت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف مشاهده کرد. در سنت غربی، شهروندی عمدتاً براساس چگونگی «منزلت فرد» و همچنین «عضویت در شهر» شکل گرفته است همان‌طور که برای مثال، در فرانسه، مفهوم شهروندی بیشتر بر مبنای «نحوه رابطه فرد با شهر» تعریف شده است. اما در سنت انگلیسی تأکید بیشتر بر «فرایندهای مدنیت» و «منزلت فرد» است. از طرف دیگر، در سنت آلمانی، شهروندی با ایده «جامعه مدنی» گره خورده است، یعنی دولت وظیفه دارد به حمایت از فرد برای ورود به عرصه عمومی و رقابت و مبارزه اقتصادی بپردازد. در این سنت، شهروند یک بورژواست و بورژوازی به مثابه یک گروه منزلتی خاص در پیوند دولت با کلیسا قرار دارد و تلاش می‌کند تا از طریق نظام آموزشی به تربیت شخصیت بورژوازی طبقه متوسط بپردازد.

به طور کلی باید گفت که شهروندی اتحادیه اروپا نوعی شبه‌شهروندی مشکل‌آفرین است. شهروندی اتحادیه اروپا مبتنی بر شهروندی دولت‌های عضو است و با وجود اعطای حقوق اجتماعی نسبتاً قابل توجه، حقوق سیاسی بسیار محدودی را به شهروندان اعطا می‌کند. این نوع شهروندی ارمغانی برای میلیون‌ها مهاجر «برون‌اجتماعی» به حساب نمی‌آید، ولی می‌تواند جای پای محکمی برای عضویت کامل ایجاد کند (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۰۶).

۳. وضعیت شهروندی در جهان

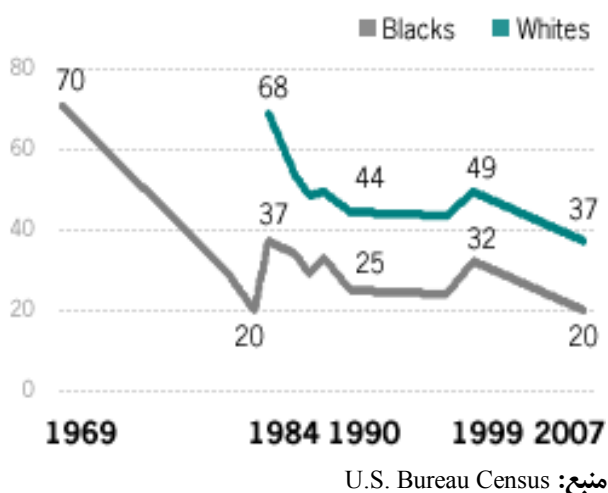
قواعد و مقررات رسمی برای دستیابی به شهروندی بسیار پیچیده و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. با این حال، برخی گرایش‌های عمومی در این زمینه قابل تشخیص است. همان‌طور

آزادی دینی

براساس آمار آزادی‌های دینی هادسون^۱، جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی دارای کمترین میزان آزادی مذهبی بوده‌اند. آمار نشان می‌دهد که ۵۲ درصد مردم آمریکا عقیده دارند که مسلمانان حق دارند در این کشور، در هر جا که پیروان دیگر مذاهب حق ساخت عبادتگاه دارند، به تأسیس عبادتگاه و مسجد مبادرت ورزند. در مقابل، ۱۴ درصد مردم آمریکا معتقدند که به کلی نباید به مسلمانان اجازه داده شود که در آمریکا مسجد بنا کنند. ۳۴ درصد نیز معتقدند که باید تنها در برخی مناطق به مسلمانان اجازه ساخت مسجد داده شود (Filipspagnoli, 2010).

تبعیض نژادی

با توجه به آمار به‌دست‌آمده از مطالعه‌ای که در آمریکا در زمینه تبعیض نژادی انجام شده، به عقیده اکثریت آمریکایی‌ها، از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷، وضعیت سیاهپوستان در آمریکا بدتر شده است (نمودار ۲)، اما در اکثر موارد، تبعیض نژادی را جزو دلایل این امر ندانسته‌اند.



نمودار ۲. درصد پاسخ‌های مثبت به پرسش: آیا سیاهپوستان از رفاه بیشتری نسبت به پنج سال پیش برخوردارند؟

همچنین آمار نشان می‌دهد در میان نژادهایی که اکثریت جامعه آمریکا را تشکیل می‌دهند، متوسط درآمد خانوارهای سفیدپوست در بالاترین سطح قرار دارد و پس از آنها لاتین‌تبارها و سیاهپوستان قرار دارند (نمودار ۳).

دارد و مابقی که شامل ۲۴ کشور می‌شود به عنوان کشورهای شناخته شده‌اند که آزادی در آنها جریان دارد. آمار سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران از لحاظ آزادی، نسبت به گذشته، دچار افول شده است. در این آمار، ایران کشوری معرفی شده که از آزادی بهره‌مند نیست، و از لحاظ آزادی‌های شهروندی و حقوق سیاسی در وضعیتی بسیار ضعیف قرار دارد (FIW, 2010).

آزادی تحرک

در آمار کشورهایی که شهروندان آنها می‌توانند بدون ویزا وارد کشورهای دیگر شوند، دانمارک، آلمان و ایالات متحده آمریکا به ترتیب در بالاترین سطح قرار دارند (نمودار ۱) به طوری که شهروندان این کشورها برای سفر به بیش از ۱۵۰ کشور جهان نیازی به ویزا ندارند. جمهوری اسلامی ایران در این تقسیم‌بندی در رتبه‌های پایین قرار دارد و سفر بدون ویزا برای شهروندان ایران تنها به کمتر از ۳۰ کشور امکان‌پذیر است (Filipspagnoli, 2010).



آزادی فردی

با توجه به آمار به‌دست‌آمده، کشور یونان از نظر آزادی‌های فردی در بالاترین مرتبه قرار دارد و مالزی و چین و روسیه دارای بدترین وضعیت هستند (FIW, 2010).

1. Hudson Institute Centre for Religious Freedom

این حقوق به شمار می‌رود.

آزادی حکومتی

خانه آزادی، در سال ۲۰۰۷، نقشه وضعیت آزادی در جهان را منتشر کرد:

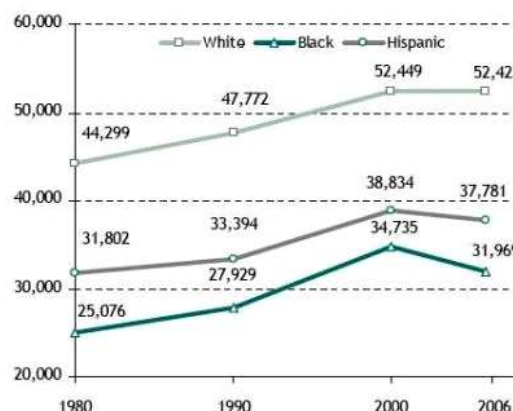


نقشه آزادی (۲۰۰۷)

واحد اطلاعات اکونومیست^۱ آزادی حکومتی را براساس پنج متغیر اندازه‌گیری کرده است:

- روند آزاد و عادلانه انتخابات
- آزادی‌های شهروندی
- عملکرد دولت
- مشارکت سیاسی
- فرهنگ سیاسی

براساس نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق و با توجه به پنج متغیر بالا، کشور سوئد آزادترین کشور جهان از لحاظ سیاسی شناخته شده است. جمهوری اسلامی ایران کشوری معرفی شده است که آزادی در آن در سطح پایینی قرار دارد (FIW, 2010). در پژوهش دیگری که در سال ۲۰۱۰ در مورد وضعیت آزادی در جهان انجام شده است، روند برخورداری از آزادی و دموکراسی در جهان از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹ به شرح زیر ارائه شده است (نمودار ۴). باید اشاره کرد که در این مطالعه نیز جایگاه ایران از این حیث نسبت به سال‌های قبل بهتر نشده و همچنان جزو کشورهایی به شمار می‌رود که آزادی در آنها کم است (ibid.).



توضیح: سفیدپوستان شامل سفیدهای غیرلاتین‌تبار، سیاهپوستان شامل سیاهان لاتین‌تبار، لاتین‌تبارها دربردارنده هر دو نژاد هستند.

منبع: U.S. Bureau Census

نمودار ۳. درآمد متوسط خانوار (برحسب تورم متناسب با دلار ۲۰۰۶)

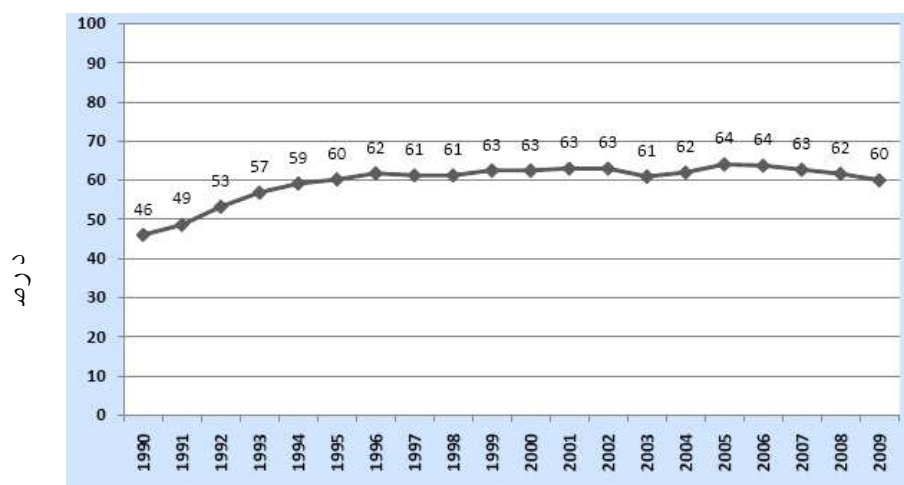
آمار تفاوت‌های نژادی در اعدام‌ها و حبس در زندان‌ها نیز شاید بتواند ملاک خوبی برای تشخیص تبعیض در دستگاه قضایی هر کشور باشد. آمار نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۶، با آنکه تنها ۱۲ درصد زندانیان آمریکا را سیاهپوستان تشکیل می‌دادند، از هر سه زندانی و اعدامی، یک نفر سیاهپوست بوده است. همچنین ۵ درصد سیاهپوستان آمریکا در زندان هستند، در حالی که از میان سفیدپوستان تنها یک درصد در زندان‌های این کشور به سر می‌برند (ibid.).

آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات از جمله حقوق مدنی به شمار می‌رود. براساس آمار خانه آزادی^۱، از ۶ میلیارد نفر جمعیت جهان، یک میلیارد نفر در کشورهایی زندگی می‌کنند که مطبوعات در آنها آزاد است و ۲/۵ میلیارد نفر نیز در کشورهایی زندگی می‌کنند که آزادی نسبی مطبوعات در آنها حاکم است، اما آماری از وضعیت کشورهای مختلف ارائه نشده است (FIW, 2010).

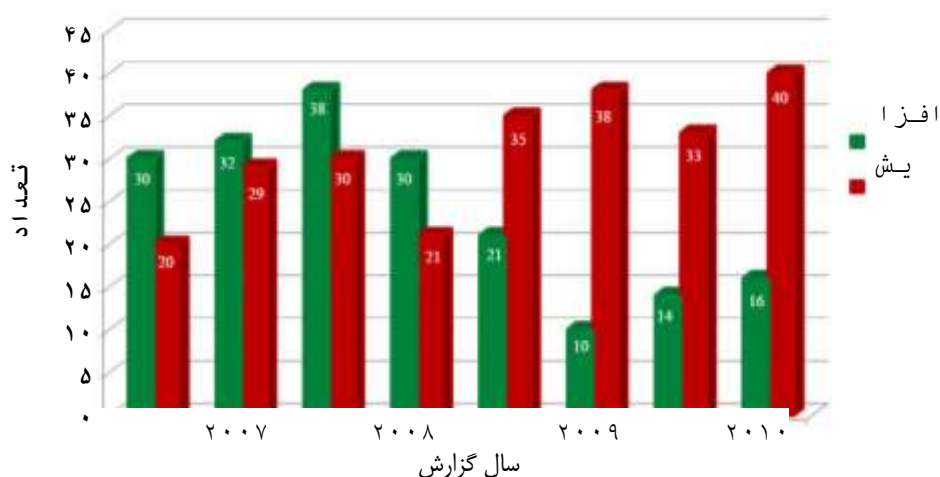
۲.۳. حقوق سیاسی

حقوق سیاسی به حقوقی اطلاق می‌شود که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای دموکراتیک ضروری است. آزادی حکومتی از جمله



سال مورد

نمودار ۴. درصد دموکراسی‌های انتخاباتی



سال گزارش

نمودار ۵. افزایش و کاهش جهانی آزادی

مورد مطالعه قرار می‌دهد (ibid.).

1. Economist Intelligence Unit (EIU)

۳.۳. حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی یکی از ابعاد حقوق شهروندی است که توجه به آن در کارهای مارشال نمود بارزی داشته است. بن-بست و داهان نیز در تحقیق سال ۲۰۰۸ خود (Ben-Bassat and Dahan, 2008)، حقوق اجتماعی را به پنج گروه زیر تقسیم کرده‌اند:

- حق بهره‌مندی از منزلت اجتماعی
- حق تحصیل علم

دموکراسی و مردم‌سالاری

براساس گزارش‌های خانه آزادی، سال ۲۰۱۰ چهارمین سال متوالی افول دموکراسی و مردم‌سالاری بوده است — طولانی‌ترین زمان عقب‌گرد در طول ۴۰ سال گذشته. در سال ۲۰۰۹، ۳۳ کشور شاهد تنزل دموکراسی بوده‌اند و این تعداد در سال ۲۰۱۰ به ۴۰ کشور افزایش یافته است (نمودار ۵). البته نتایج این آمارگیری‌ها به تعریف شاخص مورد مطالعه بستگی دارد. برای مثال، واحد اطلاعات اکونومیست، در ارزیابی شاخص دموکراسی، پنج متغیر پیش‌گفته را

مجمع جهانی اقتصاد^۱ با انتشار شاخص‌های تبعیض نژادی بین‌المللی در سال ۲۰۰۷ به رتبه‌بندی ۱۲۸ کشور پرداخته است. این طبقه‌بندی براساس ۱۴ شاخص صورت پذیرفته که دربردارنده میزان مشارکت سیاسی، دسترسی به تحصیلات، سلامت و مشارکت اقتصادی است.

همه افراد، بدون هیچ تبعیضی، حق دریافت دستمزد و پاداش یکسان را دارند. اما حتی در کشورهای پیشرفته نیز از این جهت شاهد تبعیض هستیم که این امر در کشورهای در حال توسعه تشدید می‌شود. نمودار ۶ نشان‌دهنده این تبعیض در اتحادیه اروپاست. علاوه بر موارد فوق، پیمایش‌های متعددی در کشورهای اروپایی و آمریکایی در حوزه هنجارهای شهروندی (مشارکت، استقلال، نظم اجتماعی، همبستگی و شهروندی دموکراتیک) در ابعاد مختلف انجام می‌گیرد (Kotzian, 2009) و نتایج آنها سالانه با هم مقایسه می‌شود (Dalton, 2006).

- حق سلامت
- حق مالکیت
- حقوق کارگران (شامل حداقل دستمزد و پاداش، مرخصی زنان در زمان بارداری، محدودیت زمان کار، مرخصی با حقوق، و حقوق بیشتر در برابر کار بیشتر).

براساس این تقسیم‌بندی و با توجه به آمار، حقوق اجتماعی در بسیاری از کشورها وضعیت نامطلوبی دارد به طوری که در دسته‌بندی بر مبنای طیفی از صفر (نبود حقوق اجتماعی) تا ۳ (حقوق اجتماعی کامل)، ۴۱ درصد کشورها رتبه بالاتر از یک به دست نیاورده‌اند. در میان پنج گروه ذکرشده، حق تحصیل علم از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است و ۵۱ کشور جهان این حق را برای مردم خود قائل بوده‌اند. میانگین حق تحصیل در کشورها ۱/۶۶ برآورد شده است. این نکته نشان می‌دهد که از میان حقوق اجتماعی، حق بهره‌مندی از تحصیل، به‌خصوص تحصیلات پایه، وضعیت مطلوب‌تری نسبت به دیگر حقوق اجتماعی دارد. در مقابل، حقوق کارگران با میانگین ۰/۴۳ بدترین وضعیت را در میان این حقوق در جهان داراست. در این تقسیم‌بندی، جمهوری اسلامی ایران از لحاظ حق سلامت و حق مالکیت وضعیت نسبتاً نامطلوبی داشته است. از نظر حقوق کارگران نیز ایران، با امتیازی برابر ۰/۲، جزو کشورهایی قرار گرفته است که وضعیت بدی دارند. از لحاظ حق تحصیل علم، امتیاز ایران برابر با ۲/۳۳ بوده است که وضعیت نسبتاً مطلوبی است. در مجموع، حقوق اجتماعی ایران با میانگین امتیاز ۱/۰۵، شرایط بدی دارد. این آمار نشان می‌دهد که وضعیت حقوق اجتماعی در ایران در بدترین شرایط قرار ندارد، اما مطلوب هم نیست (ibid.).

۴.۳. حقوق جنسیتی

محور حقوق جنسیتی حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی است چنانکه برخی از دیدگاه‌ها زنان را نیازمند برخورداری از حقوق ویژه در مقایسه با مردان می‌دانند که باید شناخته و به آنان اعطا شود (شیانی، ۱۳۸۲: ۴۱). در ادامه آمارهایی از وضعیت این نوع حقوق ارائه می‌شود.



نمودار ۶. شکاف پرداخت جنسیتی در اتحادیه اروپا (۲۰۰۵)

۴. وضعیت شهروندی در ایران

۱.۴. سیاست‌ها و برنامه‌ها

در ایران، تا دوره مشروطه، مردم رعیت و تابع پادشاه به شمار می‌رفتند و در قوانین و حقوق، به جای واژه شهروند، از کلمه «رعیت» یا «رعایا» استفاده می‌شد. بعد از مشروطیت و حتی بعد از تصویب قانون مدنی، افراد جامعه ایرانی از دید حقوقی تبعه دولت ایران محسوب می‌شدند و باید تابع دولت متبوع خود می‌بودند. از این رو، آنچه در جامعه ایران بیشتر بر آن تأکید شده بود مفهوم شهروند به عنوان تبعه بود و کمتر از حق و حقوق افراد جامعه سخن گفته می‌شد (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز، با وجود پیش‌بینی حقوق شهروندی در اصول آن، از واژه شهروند استفاده نشده و در فصل سوم حقوق ملت آمده است (شیانی، ۱۳۸۲: ۴۲). علاوه بر متون موجود در حقوق اساسی و خصوصی و مجموعه حقوق شهری مدونی که طی نیم قرن اخیر برای تنظیم روابط مردم و حاکمان (در سطح حکمرانی ملی و رژیم‌های شهری) ارائه شده، اخیراً در اسناد مستقلى نیز به بحث شهروندی پرداخته شده که از مهم‌ترین آنها در سطح ملی، علاوه بر قانون اساسی و قوانین مدنی، لایحه «حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد، در راستای اجرای اصل بیستم (۲۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» است که در بند ۵ ماده ۱۳۰ «قانون برنامه چهارم توسعه» قوه قضاییه مسئول تهیه آن شده بود و با تصویب ماده واحده «حقوق شهروندی در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» محقق شد.

شهروندی در قانون اساسی

شهروندی براساس نظام حقوقی هر کشور، که مهم‌ترین رکن آن قانون اساسی است، به افراد تعلق می‌گیرد. در قانون اساسی ایران، با وجود آنکه برخلاف بسیاری از مجموعه قوانین اساسی موجود (به‌ویژه نوع غربی آن) از واژه شهروند استفاده نشده، مفاد برخی از اصول مطابق با معیارهای حقوق بشر و شهروندی است. اصول یکم تا هشتم قانون اساسی، که ناظر بر ماهیت حکومت، مشروعیت الهی، رهبری شیعی و کرامت انسانی است، در عین حال حاوی طریقه عمل مدیریت سیاسی و میزان و محدوده دخالت و مشارکت مردم نیز هست.

مطالعات نشان می‌دهد که در حقوق داخلی، با عناوین مختلفی چون «حقوق ملت» و «حقوق اجتماعی»، به حقوق شهروندی در قوانین به طور پراکنده توجه شده است. به علاوه، در فصل سوم قانون اساسی، اصول ۱۹ تا ۴۲ به این حقوق اختصاص داده شده و «ضمانت اجرای این حقوق در قانون مجازات اسلامی طبق ماده ۵۷۰ تا ۵۸۷ آمده است» (صنعتی، ۱۳۸۸: ۳۰).

فصول دیگری از قانون اساسی که به مسائلی چون تشکیل شوراهای (فصل ۷)، حق حاکمیت مردم (فصل ۵)، انتخابات (فصل ۶) و برخی مسائل دیگر می‌پردازد، همگی مبتنی بر مشارکت مردم است. در واقع، با نگاهی به قانون اساسی در ایران معلوم می‌شود که حق مشارکت مردم از اهم مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران بوده است.

در زمینه حقوق مدنی و سیاسی، در بند ششم از اصل سوم قانون اساسی «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»

رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات اقوام مختلف در مدارس در کنار زبان فارسی از جمله این موارد است.

بنابراین، اصول قانون اساسی بسیاری از انواع حقوق شهروندی را در قالب حقوق ملت در خود جای داده است. از یک منظر می‌توان این حقوق را در سه دسته از یکدیگر متمایز کرد: حقوقی که بدون هیچ‌گونه قید و شرطی حق همه افراد محسوب می‌شوند و شامل ۱۶ اصل است؛ حقوقی که در متن قانون مقید و محدود شده‌اند و قید آنها به حکم قانون تعیین گردیده و ۷ اصل را دربرمی‌گیرند؛ و حقوق مشروط شهروندان شامل ۵ اصل عدم اخلال به مبانی اسلام، عدم نقض استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی، و عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران.

به منظور صیانت از حقوق شهروندی، دفتری در وزارت کشور تشکیل شده است.^۱ در ادامه به قوانینی می‌پردازیم که در طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۰ به تصویب رسیده و به نوعی مرتبط با حقوق شهروندی هستند.

شهروندی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸) نشان می‌دهد که شهروندی و مسائل مربوط به آن حضور بسیار کم‌رنگ و ناچیزی در این برنامه‌ها داشته‌اند و صریحاً نیز به آنها اشاره نشده است. با این حال، برخی راهکارها و راهبردهای مندرج در برنامه‌ها ماهیتاً از

و در بند هفتم این اصل تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اهتمام دولت در به کار بردن همه امکانات در جهت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش تکلیف مهم دولت و حکومت شمرده شده است. عدم سلب آزادی‌های مشروع حتی به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور با استفاده از ابزار قانون و وضع قوانین از جمله راهبردهای مورد تأکید در اصل نهم قانون اساسی است.

ممنوع بودن تفتیش عقاید و پرهیز از تعرض و مؤاخذه به دلیل عقیده (اصل ۲۳)، آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، ممنوعیت بازرسی نامه‌ها و فاش کردن مکالمات تلفنی و استراق سمع و پرهیز از هرگونه تجسس (اصل ۲۵)، آزادی احزاب و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی (اصل ۲۶)، و آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها (اصل ۲۷) از جمله موارد تصریح شده اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی است (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

همچنین در حیطه حقوق اجتماعی و اقتصادی شهروندان، حق انتخاب شغل و امکان انتخاب آن (اصل ۲۸)، دارا بودن مسکن متناسب (اصل ۳۱)، مصونیت شغل و مسکن از تعرض، حرمت مالکیت شخصی (اصول ۴۶ و ۴۷) و برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹) از جمله مواردی است که قانونگذار به آنها توجه کرده است. حقوق قضایی نیز در هشت اصل با هدف ایجاد امنیت قضایی برای اعضای جامعه شکل گرفته است. اصل ماسبق نشدن قانون، اصل برائت، اصل تأمین قضایی، اصل پیگرد و دستگیری قانونی و انتخاب وکیل، اصل ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارباب، اصل علنی بودن دادرسی، و اصل حق دادخواهی از جمله این موارد است.

در مورد حقوق فرهنگی نیز باید گفت که در اصل دوازدهم آزادی پیروان مذاهب مختلف در برپایی مراسم مذهبی، و در اصل پانزدهم برابری و برخورداری یکسان از حقوق فرهنگی مد نظر قرار گرفته است. در اصل نوزدهم بر حقوق مردم ایران و برابری، و در اصل بیستم بر برخورداری همه ملت از حمایت قانونی و حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید شده است. همچنین در اصل بیست و دوم مصونیت افراد از تعرض، و در اصل چهلم چگونگی تعامل بین حقوق شخصی افراد و حقوق عمومی مشخص شده است. حق استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و

۱. با ابلاغ ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۱ به وزارت کشور، فرمان تشکیل دفتر صیانت از حقوق شهروندی در وزارت کشور صادر شد. این دفتر تحت سرپرستی معاونت اجتماعی وزارت کشور شکل گرفته و فعالیت‌های آن آغاز شده است. صیانت از حقوق شهروندی شامل سه موضوع عفاف و حجاب، حقوق شهروندی و امنیت عمومی است. ستاد صیانت از حقوق شهروندی در سطح ملی و استان‌ها تشکیل شده و در حال شاخص‌سازی با محوریت دین‌مداری (و تأکید بر عدالت) در زمینه حقوق شهروندی در سطح ملی است. در این روند، تعاریف کلی از حقوق شهروندی در قانون اساسی و قوانین در دو بخش حقوق عمومی و حقوق اختصاصی مردم جمع‌آوری شده و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. وزارت کشور برای آگاه‌سازی مردم و فرهنگ‌سازی در زمینه حقوق شهروندی از ارگان‌های آموزشی نظیر صدا و سیما، آموزش و پرورش، و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسماً دعوت به همکاری کرده است. دفتر صیانت از حقوق شهروندی در قوه قضاییه نیز وجود دارد که بیشتر به پرونده‌های حقوقی و محرمانه افراد (نظیر شکایت از قضات) رسیدگی می‌کند.

شده و برنامه ادعایی دولت وقت (دولت اصلاحات) تقویت «شهروندی مدنی و سیاسی» بوده است. مواد ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۲، بند الف ماده ۴۶، مواد ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، بند ج ماده ۱۰۴، و همچنین مواد ۱۰۵، ۱۲۵ و ۱۳۷ به نوعی دربردارنده نکاتی در زمینه حقوق شهروندی هستند، هرچند که در هیچ‌یک از این مواد از واژه شهروند به طور مشخص استفاده نشده است.

در برنامه چهارم نیز آشکارتر از قبل به شهروندی توجه شده است. در برنامه سوم و به‌خصوص برنامه چهارم، توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور کاهش تصدی‌گری دولت در جهت افزایش حقوق شهروندی پیش‌بینی شده و لازم است این واگذاری شامل تمام شهروندان گردد.

در فصل پنجم قانون برنامه چهارم که مربوط به حفظ محیط زیست است، مواد قانونی ۵۸ تا ۷۱ دربردارنده نکاتی در زمینه حقوق شهروندی هستند. همچنین در فصل هفتم این برنامه «ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی» در مواد ۸۴ تا ۹۴ و در فصل هشتم «ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی» در مواد ۹۵ تا ۱۰۳ مورد توجه قرار گرفته است.

در ذیل ماده ۳۸ قانون برنامه چهارم آمده است که دولت موظف است تا پایان سال اول این برنامه، در قلمروهای اقتصادی که انحصار طبیعی یا قانونی وجود دارد و همچنین قلمروهایی که انحصارات جدید ناشی از توسعه اقتصادی شبکه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود می‌آید، با رعایت «حقوق شهروندان» لایحه تسهیل شرایط رقابتی و ضد انحصار را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. همچنین در ماده ۴۴ این برنامه، به استقرار جامعه اطلاعاتی و تضمین دسترسی گسترده، ایمن و ارزان شهروندان به اطلاعات مورد نیاز توجه شده است.

در ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه نیز چنین آمده است: «دولت موظف است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه، و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن منشور حقوق شهروندی را تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند.»

در ماده ۱۱۹ نیز، به منظور ارتقای امنیت عمومی و انضباط

ظرفیت بالقوه‌ای برای گسترش و ارتقای زمینه‌های ایجاد شهروندی برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر، برنامه‌های اول تا سوم توسعه پس از انقلاب به صورتی محدود در تقویت زمینه و بسترسازی شهروندی مؤثر و بر برخی از اقدامات دولت تأثیرگذار بوده‌اند.

در ماهیت برنامه اول توسعه بعد از جنگ ایران و عراق، به «حقوق اجتماعی شهروندی» توجه شده است. توجه به اصلاح مدیریت قضایی و ایجاد امنیت قضایی در اهداف هشتم و نهم برنامه به معنی توجه غیرمستقیم به حقوق مدنی شهروندان است، ضمن اینکه خطمشی ایجاد زمینه لازم برای مشارکت همه مردم در امور کشور در زمره حقوق سیاسی شهروندان به شمار می‌رود. بنابراین، در حالی که محور برنامه اول توسعه حقوق اجتماعی شهروندان است، توجه مختصری نیز در آن به حقوق مدنی و سیاسی شده است.

اهداف برنامه دوم توسعه نیز مشابه برنامه اول است، با این تفاوت که در آن بر مشارکت سیاسی شهروندان در جهت کمک به بهتر انجام وظیفه کردن دولت توجه بیشتری شده است. حقوق مدنی نیز در این برنامه به صورت بسیار کمرنگ و در قالب رعایت حقوق انسانی، گسترش قانون، و جلوگیری از تعدی به حقوق اشخاص مد نظر قرار گرفته است. این برنامه از ظرفیت زیادی برای تقویت شهروندی برخوردار بوده است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۳).

در برنامه سوم توسعه، اصلاح ساختار اقتصادی داخلی مورد توجه دولت قرار گرفته و دولت سعی داشته تا زمینه حضور بخش خصوصی و توسعه پایدار را در برنامه سوم توسعه فراهم کند. در ماده ۲۹ بیشترین تأکید بر قرار گرفتن همه اقوام جامعه زیر پوشش بیمه‌های همگانی و مکمل است. این تأکید تا ماده ۴۴ قانون برنامه سوم ادامه می‌یابد که این امر اهمیت مفاد آن را آشکار می‌سازد. به طور کلی، دولت در این برنامه کوشیده با تغییر نرخ ارز و یکسان‌سازی آن، جایگزینی تدریجی تعرفه به جای موانع تعرفه‌ای، تأسیس بانک‌ها و بیمه‌های خصوصی داخلی، تقویت بازار بورس، و تصویب و اجرای قانون سرمایه‌گذاری خارجی شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران را بهبود بخشد.

مقایسه این برنامه با برنامه‌های اول و دوم توسعه نشان از توجه بیشتر به حقوق شهروندی دارد چنانکه در برنامه سوم توسعه به طور غیرمستقیم به «حقوق مدنی و سیاسی شهروندان» پرداخته

اجتماعی، توسعه مشارکت همه‌جانبه همه ایرانیان براساس حق برابر شهروندی در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و مدیریت اجرایی کشور مطرح شده است.

شهروندی در قوانین و آیین‌نامه‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قوانین ایران به حقوق شهروندی به شکل نامتعادل توجه شده و کمتر از وظایف و مسئولیت‌ها سخن به میان آمده است. قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» از جمله این قوانین است که در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده است. پیش از این تاریخ نیز قوانینی در حمایت از حقوق قشرهای مختلف اجتماعی همچون کودکان، زنان و معلولان وجود داشته است. به طور کلی این قوانین را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

قوانین مربوط به حقوق کودکان: این قوانین بیشتر ناظر بر فروش، هرزه‌نگاری، فحشا و کار کودکان است.

قوانین مربوط به حقوق زنان و معلولان: در این قوانین به افزایش پوشش توانبخشی و حمایتی معلولان و زنان سرپرست خانوار و حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی پرداخته شده است.

قوانین مربوط به حقوق فرهنگی: این بند شامل قوانین مربوط به هیئت منصفه مطبوعات و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می‌شود.

قوانین مربوط به حقوق عمومی: حقوق عمومی شامل قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو، و قانون مدیریت خدمات کشوری می‌شود.

همچنین آیین‌نامه‌هایی با موضوع شهروندی در بعد حقوقی طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۰ تصویب شده است. در این آیین‌نامه‌ها به حقوق فرهنگی شهروندان و به شکل بسیار محدود به حقوق اجتماعی و سیاسی آنان پرداخته شده است. از جمله آنهاست: آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی، اصلاح ماده ۳ آیین‌نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره، آیین‌نامه نحوه پرداخت یارانه به احزاب و گروه‌های مشمول و اصلاح آن، آیین‌نامه اجرایی قانون هیئت منصفه، اصلاح ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی و مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای،

آیین‌نامه اجرایی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، آیین‌نامه اجرایی تبصره‌های ۱ و ۲ ماده واحده قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن، اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی، و آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن.

شهروندی در قانون شوراهای اسلامی کشوری

استقرار شوراهای اسلامی کشوری به‌ویژه شوراهای اسلامی شهر به مثابه یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری جامعه مدنی محلی و مدیریت شهری مشارکتی حائز اهمیت است. از این رو، انتظار منطقی از مبنای حقوقی امور شوراهای اسلامی کشوری این است که در این قانون، شهروندی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. تحلیل محتوای قانون شوراهای اسلامی نشان می‌دهد که در این قانون واژه‌های «شهروندی» و «شهروند» به کار نرفته است و برای نشان دادن جایگاه افراد و اعضای جامعه محلی شهری در نظام شوراهای اسلامی شهر از واژه‌های عمومی (مردم، عموم، انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، اهالی حوزه انتخابیه، فرد و مانند آن) استفاده شده است. مشارکت مردمی در نظام شوراهای اسلامی شهر صرفاً محدود به شرکت در انتخابات و مشارکت برنامه‌ریزی شده از سوی شوراهای اسلامی شهری در امور گوناگون شهری است. در مجموع، در قانون مزبور، فصل‌بندی حقوقی به صورتی است که سازوکار مطلوبی برای تعیین وظایف و حقوق شهروندی در امور شوراهای اسلامی شهر دیده نشده است (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

شهروندی در قانون شهرداری‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متأسفانه در قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، که تاکنون ملاک عمل و دارای اعتبار حقوقی است، نه تصریحاً و نه تلویحاً هیچ‌گونه ذکری از شهروندی به میان نیامده و صرفاً به وظایف شهرداری‌ها به‌خصوص در فصل ششم ماده ۵۵، و نه شهروندان، اشاره شده است. در حالی که در مجموعه قوانین شهرداری‌های کشورهای پیشرفته، به رابطه دوسویه شهرداری و شهروندان پرداخته می‌شود و وظایف و حقوق آنان تواتراً مطرح می‌گردد (همان: ۱۲۸).

با توجه به تعریف شهروندی و شاخص‌های آن (حقوق، تکالیف، و احساس تعلق) در زیر به تعدادی از کارهای پژوهشی، که نشان‌دهنده آمار و ارقام مرتبط با شاخص‌های شهروندی در ایران است، اشاره می‌شود.

مطالعات مبتنی بر شاخص حقوق شهروندی

- بررسی موانع توسعه حقوق شهروندی از نظر ساکنین کلان‌شهر تهران (موسوی، ۱۳۸۲): نتایج این تحقیق مبین فقدان آگاهی کافی و عدم آشنایی شهروندان با پدیده حقوق شهروندی است. نبود قوانین و دستورالعمل‌های مصوب و جامع و، در نهایت، در حاشیه قرار داشتن موضوع حقوق شهروندی از جمله دلایل این امر است. نتایج تحقیق حاکی از میزان اندک آگاهی از حقوق شهروندی در مناطق متوسط و پایین شهر تهران است.
- بررسی موانع برخورداری زنان از حقوق اجتماعی شهروندی (غیاثوند، ۱۳۸۳): براساس نتایج پژوهش، برخورداری زنان از استقلال مالی، درآمد اقتصادی بالای شوهر، جامعه‌پذیری جنسیتی زنان، و بالا بودن میزان تحصیلات شوهر بر میزان بهره‌مندی زنان از حقوق اجتماعی شهروندی تأثیر مثبت و فزاینده دارد. بر طبق یافته‌ها، ۷۶/۳ درصد از زنان در حد متوسط و ۹۲/۵ درصد در حد متوسط و پایین از حقوق اجتماعی شهروندی برخوردارند.
- بررسی میزان آگاهی کودکان کار و خیابان از حقوق شهروندی (نجف‌آبادی، ۱۳۸۴): این پژوهش که به روش کیفی و مصاحبه حضوری صورت گرفته نشان می‌دهد اکثر کودکان کار و خیابانی دارای آگاهی بسیار کم از حقوق شهروندی خود یا حتی فاقد هرگونه آگاهی هستند.
- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد تبریز (اسکندری، ۱۳۸۶): نتایج این پژوهش نشان داد که میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی متوسط و کمی بالاتر است. میانگین میزان آگاهی ۷۶/۷۳ درصد بوده است.
- بررسی گرایش به حقوق برابر شهروندی بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران (صفاری، ۱۳۸۶): بر طبق نتایج

در قوانین و مقررات شهرداری‌ها «شهروند» با «شهرنشین» یکی گرفته شده و حقوق و تکالیفی که شهرداری‌ها در برابر مردم دارند، در واقع، حقوق و تکالیفی است که در برابر شهرنشینان دارند. بررسی جایگاه شهروندی در مجموعه قوانین و مقررات مدیریت شهری و مقایسه آن با حقوق و وظایف دوسویه شهروندان و شهرداری‌ها به خوبی نشانگر غیبت شهروندی در نظام حقوقی ایران است.

در گفتمان حقوقی قانون شهرداری‌ها، رابطه میان اعضای جامعه محلی و شهری با واژه‌هایی همچون اهالی شهرنشین، ساکنان محل، عموم، ناس، و اهالی شهر بیان شده است. این واژه‌ها پیش از آنکه در فضای مفهومی شهروندی قرار داشته باشند، متعلق به گفتمانی حقوقی هستند که به اعضای محلی یا به عنوان توده‌ای فاقد حقوق و وظایف قانونی یا صرفاً شهرنشین بدون حقوق نگاه می‌کند. در فصل‌بندی قانون شهرداری‌ها نیز، به سبب محتوای حقوقی بخش‌های گوناگون قانون مزبور و نیز موضوع آن، رابطه حقوقی اعضای جامعه محلی شهری و شهرداری‌ها متغیر دیده شده است، به طوری که در تمام جنبه‌های آن رابطه شهروندی و شهرداری مشاهده نمی‌شود. در مجموع، قانون‌کنونی شهرداری‌ها که از حیث حقوقی دارای اعتبار قانونی و ضمانت اجراست، به هیچ‌وجه بازتابنده روح شهروندی مدرن نیست (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

در سال‌های اخیر شهرداری توجه بیشتری به شهروندی نشان می‌دهد، اما شهروندی بیشتر در قالب خدمات شهری مطرح شده است و تمام ابعاد حقوق شهروندی را دربر نمی‌گیرد.

۲.۴. شاخص‌ها

طی سال‌های اخیر، در زمینه شهروندی و ابعاد آن مطالعات نسبتاً گسترده‌ای در ایران صورت گرفته است. تعداد مقالات چاپ‌شده با موضوع شهروندی در فهرستگان ۲۲۸، مقالات موجود در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی ۳۸، و در نمایه ۱۵۸ بوده که محور اکثر آنها حقوق شهروندی است. برخی از این مقالات برگرفته از کارهای پژوهشی و مبتنی بر تجارب تحقیقاتی و بخشی مطالب نظری و مفهومی در این حوزه است. کارهای پژوهشی نیز آمار قابل توجهی را در این زمینه به خود اختصاص داده‌اند چنانکه حدود ۷۶ پایان‌نامه و چندین طرح پژوهشی در این زمینه ارائه شده است.

- شهروندی فعال و نظارت شهروندی؛ بررسی وضعیت مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران براساس داده‌های سامانه ۱۸۸۸ (روشنفکر و دیگران، ۱۳۸۷): این مطالعه براساس داده‌های مندرج در گزارش‌های سال ۱۳۸۷ عملکرد مناطق در سامانه ۱۳۷ و ۱۸۸۸ انجام شده است. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که فعالیت شهروندی در حوزه مدیریت شهری از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و به رغم وجود سیستم نظارت همگانی واسط و آسان، سهم شهروندان در مشارکت در حوزه مدیریت شهری بسیار ناچیز است.

مطالعات مبتنی بر شاخص احساس تعلق و هویت شهروندی

- بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شهروندی نوجوانان تهران (اینانلو، ۱۳۸۴): نتایج پژوهش حاکی از آن است که میزان گرایش به شهروندی در میان ۵۳/۶۶ درصد از دانش‌آموزان زیاد، در میان ۳۸/۶ درصد متوسط، و در میان ۷/۸ درصد کم بوده است. در مورد رابطه بین جنسیت و میزان گرایش به شهروندی نیز، طبق نتایج، میانگین گرایش به شهروندی در میان دانش‌آموزان دختر (۸۴/۸۹ درصد) بیشتر از میانگین آن در میان دانش‌آموزان پسر (۸۱/۳۹ درصد) است. همین طور بین نوع مدرسه (دولتی یا غیردولتی) و میزان گرایش به شهروندی تفاوت وجود دارد و میانگین گرایش به شهروندی در میان دانش‌آموزان مدارس دولتی بیشتر از مدارس غیردولتی است. متغیرهای میزان مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه، سرمایه فرهنگی خانواده، میزان مطالعه روزنامه، و تعداد عضویت‌های گروهی ارتباط مثبت و معنادار با گرایش نوجوانان به شهروندی دارند و مجموعاً ۲۳ درصد از واریانس کل را تبیین کرده‌اند.
- بررسی جامعه‌شناختی شهروندی در ایران بعد از انقلاب اسلامی ۵۷ با تأکید بر جامعه کردستان (سحابی و دیگران، ۱۳۸۴): بر طبق این تحقیق، احساس شهروندی در میان ساکنان کردستان کم‌رنگ است چنانکه ۷۵/۵ درصد از پاسخگویان مخالف به‌کارگیری کارمندان و مسئولان غیربومی در شهر هستند. همچنین شاخص بعد عاطفی

پژوهش، میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی در میان دانشجویان بیش از ۶۰ درصد بوده است. میزان گرایش به حقوق برابر شهروندی در میان مردها ۸۱/۵ درصد و در میان زنان ۸۶/۵ درصد بوده است. همچنین بیشترین میزان گرایش مربوط به حقوق برابر جنسیتی در میان زنان (۲۴/۸ درصد) و سپس گرایش به حقوق برابر مدنی در میان دانشجویان دختر و پسر (۲۰/۶ درصد) بوده است.

- بررسی عوامل مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه آزاد اسلامی (داودوندی، ۱۳۸۸): طبق یافته‌های پژوهش، میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان اکثر دانشجویان (۵۵/۳ درصد) زیاد بوده است. به علاوه، میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان اکثر دانشجویان متوسط (۵۶/۴ درصد) و سپس کم (۲۲/۵ درصد) بوده است. همچنین میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در میان مجموع دانشجویان (۷۷/۳۷ درصد) بوده است. براساس نتایج این پژوهش، میانگین آگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد از حقوق شهروندی نسبت به دانشجویان دانشگاه علامه کمتر است.

مطالعات مبتنی بر شاخص تکالیف شهروندی

- عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶): این پژوهش، که تعهدات شهروندی را در دو بعد رفتاری و تعمیم‌یافته مورد مطالعه قرار داده، میانگین تعهدات شهروندی را حدود ۶۳/۱۴ نشان می‌دهد. در میان زنان ۷۱/۶ درصد و در میان مردان ۵۷/۶ درصد به میزان زیاد به تعهدات شهروندی پایبند بوده‌اند. از لحاظ میانگین تعهدات شهروندی نیز مردان از تعهدات شهروندی کمتری (با میانگین ۶۱/۱۶) در مقایسه با زنان (با میانگین ۶۵/۴۲) برخوردار بوده‌اند. در زمینه عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تعهدات شهروندی، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی، احساس ناامنی، و گرایش افراد به رعایت قوانین و ضوابط (عام‌گرایی) میزان تعهدات شهروندی آنها را افزایش خواهد داد و آنومی اجتماعی منجر به کاهش تعهدات شهروندی می‌شود.

- نقش شهروندان سیاسی نسبتاً قوی (۰/۶۴-) بوده است.
- جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی (ذکائی، ۱۳۸۲): این پژوهش که با رویکرد نظریه میدانی در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال انجام شده است نشان می‌دهد که طیف‌های مختلف جوانان نمونه، مفهوم‌سازی متفاوتی از شهروندی و معرف‌های آن دارند و تصویرسازی از وظایف و حقوق شهروندی با جنسیت مرتبط است. همچنین جوانان بیش از آنکه با حقوق اجتماعی و فرهنگی خود به عنوان «شهروند» آشنا باشند، عموماً به وظایف شهروندی اشاره داشته‌اند.
 - شهروندی و مشارکت مدنی، بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرایند تحقق حقوق شهروندی: مورد کلان‌شهر تهران (احمدی، ۱۳۸۳): نتایج کلی تحقیق نشان می‌دهد که ۳۹/۷۴ درصد به حقوق قانونی، ۸/۹۷ درصد به حقوق سیاسی، ۴۰/۷ درصد به حقوق اجتماعی، و ۱/۱۱ درصد به حقوق مشارکتی خود آگاهی داشته‌اند. بنابراین، در میان انواع حقوق، بیشترین میزان آگاهی مربوط به حقوق اجتماعی و کمترین میزان مربوط به حقوق مشارکتی بوده است. همچنین در زمینه میزان آگاهی از تعهدات شهروندی، ۳۷/۱۵ درصد به تعهدات قانونی، ۱۳/۲ درصد به تعهدات سیاسی، ۴۷/۵۶ درصد به تعهدات اجتماعی، و ۱/۲۲ درصد به تعهدات مشارکتی خود آگاهی داشته‌اند که کمترین میزان آگاهی مربوط به تعهدات مشارکتی و بیشترین آن مربوط به تعهدات اجتماعی بوده است.
 - بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به شهروندی در بین دانشجویان (منتخب مدنی، ۱۳۸۴): یافته‌های پژوهش بیانگر نگرش قوی دانشجویان (۸۵/۳۵ درصد) نسبت به شهروندی است. همچنین نگرش به حقوق و تکالیف شهروندی با ۵۰/۹۱ درصد میانگین بالاتری را نسبت به احساس مشارکت (۲۱/۵ درصد) و احساس تعلق (۱۳/۴۲ درصد) کسب کرده است. در زمینه میزان شناخت نسبت به حقوق، بالاترین نمره میانگین (۷۸/۴ درصد) به حقوق اجتماعی و کمترین آن (۲۸/۲ درصد) به برخورداری از حقوق برابر تعلق دارد که جزو حقوق مدنی افراد محسوب

- شهروندی نشانگر احساس ضعیف شهروندی (۵۲/۲ درصد) در میان پاسخگویان بوده است. از میان پاسخگویان، ۹۰ درصد معتقد نبوده‌اند که با آنها مانند شهروند درجه یک برخورد می‌شود و ۸۹/۴ درصد اعتقاد نداشته‌اند که دولت حقوق آنان را به رسمیت می‌شناسد.
- احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران (یوسفی و عظیمی هاشمی، ۱۳۸۷): بر طبق یافته‌های تحقیق، میانگین احساس شهروندی در بعد احساس برابری مشارکتی ۴۹ درصد، و احساس برابری قانونی در بعد فرصتی ۵۰/۴ درصد و در حد متوسط و در بعد توزیعی ۴۶/۹ درصد بوده است. همچنین احساس هویت سیاسی ۷۷ درصد و در حد بالا بوده است.
 - هویت شهروندی و راهکارهای ارتقای آن (شیانی و محمدی، ۱۳۸۸): نتایج پژوهش نشان‌دهنده هویت شهروندی متوسط رو به ضعیف در میان شهروندان تهرانی است. هویت شهروندی در میان ۲۰/۹ درصد از شهروندان تهرانی ضعیف، در میان ۵۹/۷ درصد از آنان متوسط، و در میان ۱۹/۴ درصد از شهروندان قوی برآورد شده است. در بعد احساس تعلق به کشور، هویت ملی و وفادارای به کشور قوی، و در پذیرش تنوع منافع و اولویت منافع جمعی بر فردی در حد متوسط است؛ در هنجارهای دموکراتیک و برخورداری از حقوق شهروندی نیز تعهدات مدنی متوسط و ضعیف است. این ضعف به‌ویژه در عرصه مشارکت نمود یافته است.

مطالعات مبتنی بر شاخص حقوق و تکالیف شهروندی

- موانع گسترش شهروندی سیاسی زنان، مورد زنان عضو اولین شوراهای اسلامی (شاه‌رکنی، ۱۳۸۱): بر طبق نتایج پژوهش، میزان شدت و ضعف شهروندی سیاسی زنان برحسب میانگین حدود ۳۹ درصد بوده است. رابطه چگونگی تقسیم کارهای خانگی با میزان شهروندی زنان متوسط (۰/۴۴-)، ارتباط چگونگی تقبل نقش‌های جنسیتی با میزان شهروندی سیاسی زنان در حد متوسط اما قوی‌تر از قبلی (۰/۵۳-)، و رابطه موقعیت زنان در عرصه خصوصی به طور کلی با موقعیت آنها در عرصه عمومی در

دیگران از حقوق و وظایف اجتماعی شهروندی آگاه‌اند. پایگاه اقتصادی و سطح تحصیلات مؤلفه‌هایی هستند که تأثیر مثبت و مستقیم بر میزان آگاهی از حقوق و وظایف اجتماعی و مدنی شهروندی دارند.

- بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران (فاضل، ۱۳۸۶): یافته‌ها حاکی از آن است که ۴۲/۴ درصد از پاسخگویان دارای احساس شهروندی پایین، ۵۴/۳ درصد دارای احساس شهروندی متوسط، و ۳/۳ درصد برخوردار از احساس شهروندی بالا بوده‌اند. در زمینه میزان آگاهی از حقوق شهروندی نیز باید گفت که ۵۸/۲ درصد از پاسخگویان آگاهی کم، ۳۸ درصد آگاهی متوسط، و ۳/۸ درصد آگاهی زیاد از حقوق شهروندی داشته‌اند. در مورد آگاهی از وظایف شهروندی هم نتایج نشان داد که ۳۸ درصد آگاهی کم، ۵۴/۳ درصد آگاهی متوسط و ۷/۷ درصد آگاهی زیاد از وظایف خود داشته‌اند.

- سنجش سرمایه اجتماعی در ایران (موسوی، ۱۳۸۶): این پژوهش در بخشی از یافته‌های خود به مفهوم شهروندی در قالب نگرش نسبت به رعایت اخلاق شهروندی در مراکز استان‌های ایران پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی در کلان‌شهرها به‌ویژه تهران کم است. به علاوه، میزان اطمینان از رعایت اخلاق شهروندی در ایران در میان ۳۴/۸ درصد کم، در ۳۰/۸ درصد متوسط، و در میان ۳۴/۴ درصد زیاد به دست آمده است.

- بررسی احساس شهروندی در بین دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (معمدی، ۱۳۸۶): طبق نتایج حاصل شده، میانگین احساس شهروندی پاسخگویان ۲۴/۳ درصد است. این عدد نشان می‌دهد که میانگین برخورداری پاسخگویان از احساس شهروندی در حد تقریباً متوسطی قرار دارد. از میان گویه‌های بررسی شده مربوط به احساس شهروندی، گویه‌های حق تساوی در برابر قانون و حق انتخاب کردن کمترین میانگین و گویه وظیفه حفظ بهداشت محیط بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. در زمینه وظایف شهروندی، کمترین موافقت

می‌شود. در مورد وظایف، بیشترین و کمترین نمره میانگین (به ترتیب ۵۴/۳ و ۲۲/۳ درصد) مربوط است به دنبال کردن مسائل سیاسی و اطاعت از قانون.

- بررسی میزان آگاهی از شاخص‌های شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد و عوامل مؤثر بر آن (ایزنلو، ۱۳۸۵): در این پژوهش که در مورد جوانان ۱۹ تا ۲۹ سال شهر بجنورد صورت گرفته، برای سنجش میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی، یک طیف پنج قسمتی در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که متوسط میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۳/۳۸، متوسط میزان آگاهی از وظایف شهروندی ۲/۳۶، و متوسط میزان آگاهی از شهروندی ۳/۳۷ درصد بوده است. بنابراین، میزان آگاهی جوانان متوسط رو به بالا بوده است.

- بررسی روش‌های تحقق آموزش همگانی شهروندی (کاظمی، ۱۳۸۶): با توجه به اهمیت و ضرورت آموزش‌های همگانی شهروندی و جایگاه آن در نظام مدیریت شهری، هدف این پژوهش طراحی نظام‌مند و علمی فرایند آموزش همگانی شهروندی در شهر مشهد بوده است. در این پژوهش، پس از تجزیه و تحلیل نیازهای شناسایی شده، در مجموع حدود ۴۰ نیاز آموزشی برای گروه‌های هدف (کودکان، نوجوانان، جوانان، میانسالان و سالمندان) مشخص شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مرتبه اولویت نیاز به آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی در نزد گروه‌های هدف متفاوت است. از منظر کودکان این نیاز اولویت دهم، از منظر نوجوانان اولویت یازدهم، از دیدگاه جوانان اولویت چهارم، از دید میانسالان اولویت چهارم، و از دید سالمندان اولویت سیزدهم بوده است. از این رو، ضرورت آموزش حقوق و تکالیف شهروندی به جوانان بیشتر احساس شده است.

- بررسی رابطه بین عوامل فردی-اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق و وظایف اجتماعی و مدنی (فضلی، ۱۳۸۶): نتایج پژوهش نشان می‌دهد که افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد از وظایف اجتماعی شهروندی آگاهی دارند. همچنین میزان آگاهی زنان از حقوق اجتماعی شهروندی بالاتر از مردان است. افرادی که سطح تحصیلات بالایی دارند بیشتر از

(۴۶/۳ درصد) است. به علاوه، میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان مردان با میانگین ۶۴/۵ درصد در حد متوسط رو به بالاست. بیشترین میزان آگاهی از وظایف متعلق به وظایف فرهنگی (۸۴/۸ درصد) و کمترین میزان مربوط به وظایف سیاسی (۴۲/۴ درصد) است.

مطالعات مبتنی بر شاخص حقوق، تکالیف و احساس شهروندی

- تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان (شیانی، ۱۳۸۱): این پژوهش درصدد است تا با استفاده از داده‌های پژوهشی مربوط به موضوع، به توصیف وضعیت شهروندی و تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه نگرش افراد نسبت به حقوق و وظایفشان در سه شهر بروجرد، خرم‌آباد و نورآباد بپردازد. نتایج حاصل از جداول و آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که افراد در این سه شهر آگاهی بالایی از حقوق و وظایف شهروندی نداشته‌اند. میزان کلی آگاهی از حقوق شهروندی در میان ۲۰/۱ درصد کم، در میان ۵۸/۱ درصد متوسط، و در میان ۲۱ درصد زیاد و کمترین میزان آن متعلق به نورآباد و بیشترین آن در بروجرد بوده است. همچنین نتایج کلی حاکی است که میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان ۲۰/۲ درصد کم، در میان ۶۴/۲ درصد متوسط، و در میان ۱۵/۶ درصد زیاد و کمترین میزان آن مربوط به بروجرد و بیشترین آن متعلق به نورآباد بوده است. به علاوه، تفاوت در میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی برحسب جنسیت بوده است چنانکه زنان آگاهی به مراتب کمتری از حقوق و وظایف شهروندی خود به‌ویژه در بعد حقوقی داشتند.
- وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران (شیانی، ۱۳۸۲): این مطالعه به واکاوی مفهوم شهروندی در بستر تاریخ از دوران باستان تا امروز پرداخته و در بخش میدانی، شهروندی را در مؤلفه‌های موقعیت، احساس و عمل در کشور بررسی کرده است. در بعد موقعیت شهروندی (درک معنای شهروندی، آگاهی از حقوق و وظایف)، بیشترین درک پاسخگویان از معنا و مفهوم «شهروندی» به ترتیب در بین ۲۷/۹ درصد موارد «سکونت در شهر» و در ۲۳/۱ درصد موارد «مجموعه حقوق و وظایف» بوده و ۱۶/۱

مربوط به گویه‌های شرکت در انتخابات و پرداخت مالیات است که تنها ۱۶ درصد افراد با این گویه‌ها موافقت کرده‌اند.

- سنجش سرمایه اجتماعی در تهران (موسایی و دیگران، ۱۳۸۷): نتایج این پژوهش بیانگر آن است که نگرش نسبت به برخورداری از حقوق شهروندی در میان ۴۴/۹ درصد از پاسخگویان (شهروندان تهرانی) کم، در میان ۳۳/۱ درصد متوسط، و در میان ۲۲ درصد از پاسخگویان زیاد بوده است. در مورد نگرش نسبت به انجام دادن تکالیف شهروندی نیز باید گفت که ۳۸ درصد پاسخگویان (شهروندان تهرانی) نگرش منفی، ۳۷/۳ درصد نگرش بینابین، و ۲۴/۷ درصد از پاسخگویان نگرش مثبت داشته‌اند. همچنین نگرش نسبت به رعایت اخلاق شهروندی در میان ۳۸/۵ درصد از پاسخگویان (شهروندان تهرانی) منفی، در میان ۳۲/۲ درصد بینابین، و در میان ۲۹/۳ درصد مثبت ارزیابی شده است.
- میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی (شیانی و فاطمی‌نیا، ۱۳۸۸): نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میانگین آگاهی شهروندان در حوزه فرهنگی ۷۷/۸۱ درصد است. همین‌طور میانگین آگاهی شهروندان در حوزه اقتصادی و اجتماعی به ترتیب ۶۴/۶۵ و ۶۳/۷۱ درصد است. پایین‌ترین آگاهی شهروندان تهرانی در حوزه سیاسی با میانگین ۵۵/۰۹ درصد است. میانگین آگاهی از تعهدات فرهنگی ۷۵/۶۶، تعهدات اقتصادی ۵۳/۱۳، تعهدات اجتماعی ۴۹/۷۳، و تعهدات سیاسی ۶۰/۷۹ درصد بوده است. لذا کمترین میزان آگاهی به تعهدات اجتماعی اختصاص دارد.
- مفهوم‌سازی شهروندی: مطالعه موردی دانشگاه‌های تهران (عظیمی و شایسته مجد، ۱۳۸۸): در این پژوهش میزان آگاهی دانشجویان نسبت به چهار بعد حقوق یعنی حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سنجیده شده است. در میان مردان، میانگین میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۵۲/۱ درصد و در حد متوسط و در میان زنان ۵۴/۸ درصد است. بیشترین میزان آگاهی در میان همه دانشجویان (صرف نظر از جنسیت) در زمینه حقوق اقتصادی (۷۹/۴ درصد) و کمترین میزان آگاهی مربوط به حقوق سیاسی

درصد) در حد متوسط بوده است. در مقایسه ارقام مؤلفه‌های آگاهی از حقوق، برخورداری از امکانات رفاهی بالاترین درصد و حق انتشار نشریات پایین‌ترین درصد را داشته است. ارزیابی ابعاد مختلف وظایف شهروندی نیز نشان می‌دهد که آگاهی از اخبار و مسائل کشور بالاترین میزان و مشارکت در امور و مسائل مختلف جامعه کمترین میزان را دارند. ارزیابی بعد رفتاری شهروندی نیز نشان می‌دهد که اکثریت افراد (۸۸/۶ درصد) برخورداری خود را از حقوق در حد کم و متوسط دانسته‌اند. همچنین در زمینه عمل به تکالیف و وظایف شهروندی، ۵۴/۶ درصد در حد متوسط و ۲۲/۴ درصد در حد پایین بوده‌اند.

- بررسی رابطه پایگاه طبقاتی و میزان شناخت افراد از ابعاد مختلف شهروندی (جعفری آزاد، ۱۳۸۷): نتایج این پژوهش حاکی از آن است که میزان شناخت از شهروندی در میان ۳۵/۷ درصد از پاسخگویان کم، در میان ۳۱/۳ درصد متوسط، و در میان ۳۱/۹ درصد زیاد بوده است. مردان شناخت بیشتری نسبت به زنان از موقعیت شهروندی خود دارند اما احساس شهروندی زنان از مردان بیشتر است. همچنین عمل به شهروندی در میان مردان بیشتر از زنان بوده است.

- وضعیت شهروندی در شهر تهران: مروری بر یافته‌های پژوهشی یک دهه اخیر ۱۳۸۷-۱۳۸۸ (روشنفکر و دیگران، ۱۳۸۸): یافته‌های پژوهشی یک دهه اخیر در خصوص وضعیت شهروندی در تهران حاکی از متوسط بودن میزان شهروندی در مفهوم‌سازی‌های مختلف، اعم از فرهنگ شهروندی، روحیه شهروندی، گرایش شهروندی، نگرش شهروندی، و برخورداری از حقوق شهروندی است. ماهیت جامعه‌شناختی شهروندی شکل گرفته در ایران در سطح کلان به صورت «شهروندی از بالا، شهروندی انفعالی و شهروندی معطوف به حوزه خصوصی» تا «شهروندی از پایین، شهروندی فعال و شهروندی معطوف به حوزه عمومی» است. به لحاظ هویتی، افراد بیشتر هویت ملی دارند تا شهروندی و بیشترین احساس تعلق در نوسان بین خانواده و کشور و احساس تعلق به شهر و محل سکونت ضعیف است. در حالی که آگاهی از حقوق بیشتر از آگاهی

درصد هم درکی از این مفهوم نداشته‌اند. آگاهی از حقوق شهروندی در میان ۲۳/۲ درصد از پاسخگویان کم، در میان ۵۴/۹ درصد متوسط، و در میان ۲۱/۹ درصد زیاد بوده است. همچنین میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان کم، در میان ۵۱/۸ درصد متوسط، و در میان ۲۱/۴ درصد زیاد بوده است. در مجموع، سطح آگاهی افراد نسبت به وظایف شهروندی خود کمتر از سطح آگاهی آنان نسبت به حقوق شهروندی بوده است. در بعد احساس شهروندی (احساس تعلق، فضیلت مدنی)، بیشترین احساس تعلق، نسبت به خانواده (۴۸/۱ درصد) و پس از آن نسبت به کشور (۳۳/۸ درصد) است. فضیلت مدنی که ناظر بر ترجیح منافع جمعی به فردی است در ۴۷ درصد افراد پایین ارزیابی شده است. در بعد عمل به شهروندی، برخورداری از حقوق (۲۱/۴ درصد) پایین‌تر از عمل به وظایف (۲۳ درصد) ارزیابی شده است. از این رو باید گفت که شهروندی، در ابعاد نظری و عملی، در حد متوسط و کم تحقق یافته است. میزان تحقق به شکل پیوستاری از شهرهای کمتر توسعه یافته (زاهدان) تا شهرهای توسعه یافته (تهران) به دست آمده است.

- فقر، محرومیت و شهروندی در ایران (شیانی، ۱۳۸۳): نتایج پژوهش نشان داده است که در دو منطقه از جامعه ایران (تهران و سیستان و بلوچستان) که با دو سطح توسعه یافتگی بالا و پایین تشخیص داده شده‌اند، دو سطح از تحقق شهروندی هم مشاهده می‌شود چنانکه میانگین آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی در تهران ۴۸/۹ و ۳۸/۳ و در سیستان و بلوچستان ۳۶/۵ و ۲۹/۱ درصد است. به این ترتیب، شهروندی در مناطق مختلف ایران به طور یکسان تحقق نیافته است و می‌توان درجات متفاوتی را با توجه به عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن مشاهده کرد.

- تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران، نگاهی بر مدیریت شهری (شیانی، ۱۳۸۷): این پژوهش به منظور بررسی وضعیت شهروندی در تهران انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داده است که میزان آگاهی از حقوق شهروندی (۵۷/۲ درصد) و میزان آگاهی از وظایف (۵۲/۵)

• آسیب‌شناسی تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان نظام آموزش متوسطه نظری از منظر معلمان شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن (واحد چوکده، ۱۳۸۴): نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آسیب‌های ناشی از جو اجتماعی حاکم بر نظام آموزش متوسطه نظری، مانند فقر فرهنگی والدین و عدم حساسیت آنان نسبت به تعلیم و تربیت فرزندان، فرهنگ نامناسب حاکم بر مدرسه، ارتباط نامناسب دانش‌آموزان با یکدیگر و با معلم، ساختار سازمانی نظام آموزش متوسطه، بی‌توجهی به شایستگی معلمان، شیوه‌های نادرست نظارت مدیران بر عملکرد معلمان، نظام نامناسب نمره‌گذاری، روش نادرست تدریس معلم، و مشارکت نداشتن دانش‌آموز در فعالیتهای کلاس مانع از تحقق اهداف برنامه آموزشی پنهان برای تربیت شهروند می‌شوند.

بررسی وضعیت تحقیقات تجربی در ایران نشان می‌دهد که مطالعات عمدتاً در سطح خرد (آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی و...) هستند و در سطح کلان جز مطالعات زیربنایی «شهر شهروندمدار و منشور شهروندی» (پیران، ۱۳۷۶، ۱۳۸۰) و «وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران» (شیانی، ۱۳۸۲) کاری انجام نشده است. افزون بر این، ابزار اندازه‌گیری واحدی در تحقیقات انجام‌شده به کار نرفته است؛ در نتیجه، امکان مقایسه نتایج این تحقیقات با یکدیگر و با وضعیت شهروندی در سایر کشورها و همین‌طور بررسی روند شهروندی در طی دوره‌های زمانی مختلف وجود ندارد. تأکید بر بعد حقوقی به‌ویژه آگاهی از حقوق شهروندی و توجه کمتر به تکالیف شهروندی و هویت شهروندی از دیگر ویژگی‌های پژوهش‌های مذکور به شمار می‌رود که نباید از آن غفلت کرد. البته این وضعیت با قوانین مصوب کشور همخوانی دارد و در قوانین نیز بیشتر بر حقوق شهروندی تأکید شده است. علاوه بر مطالعات ذکرشده، تعداد قابل توجهی از تحقیقات در زمینه شهروندی، بر رفتار سازمانی در مراکز و ادارات مختلف متمرکزند و دیدگاه صرفاً مدیریتی آنان بعد بسیار محدودی از شهروندی در معنای خاص این پژوهش (تعهدات گروهی بین کارکنان سازمان) را دربرمی‌گیرد.

نسبت به وظایف شهروندی بوده، برخورداری از این حقوق کمتر از انجام وظایف ارزیابی شده است. بیشتر افراد درک درستی از مفهوم شهروندی و شماری هم اساساً درکی از معنای شهروندی ندارند.

مطالعات مبتنی بر سایر ابعاد شهروندی

• بررسی حیطه‌های شهروندی در نظام آموزش عالی از دیدگاه استادان و دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه مازندران (هاشمی و دیگران، ۱۳۸۷): نتایج تحقیق بیانگر آن است که جز در مؤلفه پذیرش تنوع و تکرر، تفاوت چندانی بین دانشجویان ورودی و خروجی دیده نمی‌شود و مهارت‌هایی که آموزش عالی پرورش می‌دهد بیشتر به سمت دانش نظری گرایش دارد و دانشجویان را به افزایش محفوظات هدایت می‌کند. مهارت‌های شهروندی (تفکر انتقادی، حل مسئله، مشارکت، تصمیم‌گیری، و مسئولیت‌پذیری) در دانشجویان چندان پرورش داده نمی‌شود و آموزش عالی جز در رشته حقوق و علوم سیاسی به آموزش دانش شهروندی توجه لازم را نداشته است.

• بررسی رابطه استفاده از وسایل ارتباط جمعی و روحیه شهروندی (قلمبوانی، ۱۳۸۶): نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۱/۸ درصد خیلی کم، ۱۶/۱ درصد کم، ۴۶/۲ درصد متوسط، ۲۷/۸ درصد زیاد، و ۸/۱ درصد به میزان خیلی زیاد از روحیه شهروندی برخوردارند. همچنین بین روحیه شهروندی و میزان استفاده از رسانه‌ها رابطه مستقیم وجود دارد.

• بررسی مواجهه گفتمان رسانه‌ای سنتی سیاسی و گفتمان رسانه‌ای مدرن در جمهوری اسلامی ایران با مقوله شهروندی جنسیتی (فلاح‌گر اطمینانی، ۱۳۸۷): در این پژوهش، مقوله شهروندی جنسیتی در دو گفتمان اصلاح‌طلب و سنتی (از طریق مطالعه دو روزنامه رسالت و شرق) بررسی شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که در گفتمان سنتی، مردان مزایای بیشتری در دو حوزه عمومی و خصوصی دارند در حالی که در گفتمان مدرن گرایش‌هایی به سمت تساوی حقوقی و اجتماعی و سیاسی زنان و مردان مطرح شده است.

۳.۴. مسائل و مشکلات شهروندی در ایران

شهروندی در طول تاریخ و در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته تاریخچه‌ای طولانی دارد، اما در ایران پدیده‌ای نو و در حال شکل‌گیری به شمار می‌رود. در این بستر و در یک تناقض تاریخی، گاه حرکت به سوی شهروندی و گاه انقطاع حرکت به سوی این ایده وجود داشته است. بر همین اساس، شهروندی تا دوران مشروطیت بحث روز نبوده اما از آن پس و به‌ویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی، بحث شهروندی در قالب جامعه مدنی بارور شده و به یکی از راهبردهای اساسی کشور تبدیل گردیده است. این پدیده، همانند دیگر پدیده‌های جدید، با چالش‌های سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی متعددی روبه‌رو بوده است (شیانی، ۱۳۸۲).

تحقق شهروندی را می‌توان بخشی از نتایج مستقیم و غیرمستقیم توسعه نظام قانون‌گذاری در کشور دانست. با وجود توجه به تأمین نیازها و خواسته‌های مردم در نظام حقوقی ایران و مهم‌ترین رکن آن قانون اساسی، و به رسمیت شناختن مفهوم رایج تابعیت سرزمین که با معیارها و استانداردهای حقوق بشر منطبق است، چالش‌هایی در زمینه اصول مشروط یا مقید به ملاک‌ها و موازین خاص در آن مشاهده می‌شود. این در حالی است که در مطالعات و پژوهش‌های انجام‌یافته، همبستگی میان تحقق شهروندی و ارزیابی قوانین موجود کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

باید توجه داشت که حقوق شهروندی فقط با تصویب قوانین تحقق نمی‌یابد. با اینکه قانون اساسی مهم‌ترین متن مکتوب در هر جامعه سیاسی و مستقل است، اجرای آن وقتی امکان‌پذیر است که از مرحله تدوین و تصویب به مرحله اجرا و عمل برسد. در حقیقت، با تصویب قوانین، نشانه‌هایی از پذیرش شهروندی نمایان می‌شود. اما قانون در فرایند تصویب و پس از آن با چالش‌های فراوان روبه‌روست که ضرورت توجه به واقعیات جامعه را دوجندان می‌کند (همان).

با توجه به مطالعات مذکور در این گزارش، نبود معیارها و شاخص‌های معین برای سنجش و ارزیابی وضعیت شهروندی نکته قابل تأملی در جامعه ایران است. با وجود مواد پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه (ماده ۱۰۰ برنامه چهارم توسعه) هنوز شاخص‌سازی صورت نگرفته یا شاخص‌ها بیشتر مربوط به وضعیت رفاهی و شرایط اقتصادی افراد جامعه است. افزون بر آن، توجه به حقوق و تلاش در جهت تعیین شاخص‌ها که عمدتاً در دفتر صیانت از حقوق شهروندی مطرح می‌شود نیز عدالت‌محور است.

نبود شاخص‌ها و «منشور حقوق شهروندی» در تعامل افراد با نهادهای اجتماعی، مطالبه حقوق، رعایت حقوق دیگران، و ایفای وظایف شهروندی را به مخاطره می‌اندازد. این مهم خود را در نهادینه شدن فرهنگ شهروندی و برقراری ارتباط مناسب میان جامعه و نهادهای تشکیل‌دهنده آن از یک سو و شهروندان از سوی دیگر نشان می‌دهد.

در کنار این مسائل، ناآگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی، عدم رعایت اخلاق شهروندی، شکل نگرفتن نگرش‌های مشارکتی، ضعف احساس و هویت شهروندی، گرایش نداشتن به معیارهای شهروندی، اولویت منافع فردی بر جمعی و... در میان اعضای جامعه نیز چالش‌های دیگری در سطح خرد است که از مطالعات و پژوهش‌ها به دست آمده است.

در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که شهروندی در ایران با دشواری‌ها و موانع متعددی در سطوح ساختاری، نهادی و فردی روبه‌روست که با فراهم شدن زمینه‌های عینی و ذهنی، می‌توان انتظار تحقق واقعی و تام و تمام آن را داشت.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با وجودی که مفهوم شهروندی در تحولات تاریخی خود راه پرفراز و فرودی را طی کرده است، همواره بر دو اصل بدیهی استوار بوده است. اول، وجود یک سپهر و بستر مناسب که جایگاه منافع عمومی و وفاق اجتماعی باشد و دوم، کنشگران برخوردار از آگاهی و نگرش مثبت نسبت به حقوق و تعهدات خود در جامعه (شیانی، ۱۳۸۲).

باید توجه داشت که پیش از آنکه از افراد جامعه انتظار برود که همچون شهروند رفتار کنند، باید شرایط مناسب برای آنان فراهم شود، از جمله اختیار در شرایط آگاهی و توانایی، اطلاعات، زمان، سطحی از رفاه برای تبدیل شدن به کارگزاری مؤثر در جامعه، فرصت شهروند شدن در شرایط عدم تمرکز قدرت‌های اقتصادی و سیاسی، و انگیزه لازم برای عمل به وظایف شهروندی به عنوان عنصری از جامعه (Oldfield, 1990:145).

قواعد و مقررات رسمی برای دستیابی به شهروندی بسیار پیچیده و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. با این حال، برخی گرایش‌های عمومی در این زمینه قابل تشخیص است. مطالعه استقرایی قانون اساسی برخی کشورها نشان می‌دهد که نهادهای حقوقی تضمین‌کننده حقوق شهروندی متناسب با بافت

شهروندی همچنین نیازمند شکل‌گیری هویت است تا با ایجاد انگیزه لازم، زمینه آگاهی و عمل به حقوق و تکالیف نسبت به جامعه‌ای که فرد عضو آن است فراهم شود. نبود آگاهی و شناخت و مهارت‌های فکری و مشارکتی، و عدم پایبندی به ارزش‌ها و معیارهای عام از مواردی هستند که در ضعف هویت شهروندی در ایران بازتاب می‌یابند.

در مجموع می‌توان گفت که لازمه تحقق شهروندی در ایران رفع موانع و ایجاد برخی تحولات در جامعه است. تحولاتی ساختاری نظیر فرهنگ‌سازی، تقلیل نابرابری‌ها، ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای مشارکت، تغییر آگاهی‌ها و نگرش‌ها به منظور شکل‌گیری هویت شهروندی، و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای دموکراتیک. این تحولات در حرکت به سمت توسعه‌یافتگی پایدار با محوریت انسان معنا خواهد یافت. شهروندی از یک سو در بسترهای توسعه‌یافته متولد می‌شود و رشد می‌کند و از دیگر سو زمینه را برای توسعه‌یافتگی فراهم می‌سازد.

منابع

- آبرکرامی، نیکلاس، استفن هیل و بریان اس. ترنر. (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش.
- احمدی، فخری‌السادات. (۱۳۸۳)، شهروندی و مشارکت مدنی: بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرایند تحقق حقوق شهروندی (مورد کلان‌شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- اسکندری، زهرا. (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۰)، «انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فرهنگ/اصفهان، ش ۲۲.
- ایزنلو، محمد. (۱۳۸۵)، بررسی میزان آگاهی از شاخص‌های شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ایزنلو، علی. (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شهروندی نوجوانان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پورعزت، علی‌اصغر، حوریه باغستانی برزکی و مصطفی نجاتی آجی‌بیشه. (۱۳۸۶)، «الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود»، رفاه/اجتماعی، ش ۲۶.

اجتماعی و فرهنگی و نوع قدرت سیاسی آنها و دموکراتیک بودن یا نبودن جوامع شکل می‌گیرند. برای مثال می‌توان به جایگاه نظام اقتصادی در تأمین حقوق سیاسی و مشارکت اشاره کرد. شهروندی در چارچوب نظام اقتصادی بیمارگونه و توسعه‌نیافته با دشواری مواجه می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته که مالیات ستون فقرات نظام اقتصادی است و دولت برای استمرار حاکمیت و اجرای برنامه‌های خود به مالیات نیازمند است، معمولاً حضور مردم در امور عمومی مؤثرتر است، در حالی که در اقتصادهای نفتی، دولت از طبقات اجتماعی مستقل است و مشارکت کمتر تحقق می‌یابد.

علاوه بر نظام اقتصادی، در عرصه سیاسی هم پیش‌شرط‌هایی برای ظهور شهروندی لازم است. در کشورهای توسعه‌یافته، احزاب سیاسی پایه‌های نظام‌های انتخاباتی ظهور کرده و فرایند رشد و بالندگی و نهادینه شدن خود را طی کرده‌اند. در این کشورها تلاش برای حضور در عرصه عمومی در چارچوب گروه‌های رسمی صورت می‌گیرد. احزاب کارکردهای مختلفی نظیر تسهیل مشارکت سیاسی، آموزش شهروندان، و انتخاب کردن را برای آنان فراهم و به تحقق یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی کمک می‌کنند، همچنین خواسته‌های مردم را به حاکمیت منتقل و مطالبه سایر حقوق شهروندی را تسهیل می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، به دلایل گوناگون، احزاب و تشکلهای سیاسی هنوز نهادینه نشده‌اند. عملکرد ناموفق برخی از احزاب و شکل‌گیری تلقی منفی از حزب و ضعف فرهنگ کار گروهی در جامعه از موانع رشد احزاب و به تبع آن شکل‌گیری موانع تحقق شهروندی هستند (شیخ‌زاده، ۱۳۸۶: ۵).

فقدان منابع و امکانات برای توانمندسازی جامعه و افراد آن از دیگر موانع تحقق شهروندی است و جامعه و نهادهای موجود در آن وظیفه تأمین و ارائه آنها را به عهده دارند. انتظار امروز از توسعه بهبود کیفیت زندگی انسان‌هاست، بدین معنا که میزان توسعه‌یافتگی براساس پیشرفت‌های علمی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و برآورده شدن نیازهای انسان سنجیده می‌شود. دسترسی افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف به زندگی عمومی سیاسی و موقعیت آنان در جامعه بازتاب دسترسی به منابع و امکانات و فرصت‌هاست. در عرصه شهروندی نیز تفاوت‌های جنسیتی، قومیتی، سنی و طبقاتی آن را معنادار می‌سازد.

شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش ۳.

_____. (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان‌نامه دکتري، دانشگاه علامه طباطبائی.

_____. (۱۳۸۳)، «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»، *رفاه اجتماعی*، ش ۱۸.

_____. (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران، نگاهی بر مدیریت شهری»، *مجموعه مقالات همایش انسان‌شناسی فرهنگی و اخلاقی شهروندی*، تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.

شیانی، ملیحه و سیاوش فاطمی‌نیا. (۱۳۸۸)، «میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی»، *راهبرد یاس*، ش ۱۸.

شیانی، ملیحه و محمدعلی محمدی. (۱۳۸۸)، *هویت شهروندی و راهکارهای ارتقای آن*، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

شیخ‌زاده، حسین. (۱۳۸۶)، «شوراها و حقوق شهروندی: چالش‌ها و راهکارها»، *اندیشه و پژوهش*، ش ۱۵.

صدری افشار، غلامحسین، نسرین حکمی و نسترن حکمی. (۱۳۶۹)، *فرهنگ فارسی امروز*، تهران، نشر کلمه.

صرافی، مظفر و مجید عبداللہی. (۱۳۸۷)، «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۶۳.

صفاری، یوسف. (۱۳۸۶)، بررسی گرایش به حقوق برابر شهروندی بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

صنعتی، سید مهدی. (۱۳۸۸)، «*سازمان قضایی نیروهای مسلح در صیانت از حقوق شهروندی*»، *دادرسی*، ش ۷۷.

عظیمی، غلامرضا و عالیہ شایسته مجد. (۱۳۸۸)، «مفهوم‌سازی شهروندی (مطالعه موردی دانشگاه‌های تهران)»، *تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، س ۱، ش ۳.

غیاثوند، الهه. (۱۳۸۳)، بررسی موانع برخورداری زنان از حقوق اجتماعی شهروندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

فاضل، حسام‌الدین. (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

فضلی، شادی. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین عوامل فردی-اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق و وظایف اجتماعی و مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

پیران، پرویز. (۱۳۷۶)، «شهر شهروندمدار»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۳۴-۱۲۹.

_____. (۱۳۸۰)، *مقدمه تشریحی تحقیقی پایه‌ای تدوین منشور شهر تهران*، ج ۱، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

توسلی، غلامعباس و محمود نجاتی حسینی. (۱۳۸۳)، «بررسی واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *نامه انجمن انسان‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۲.

جعفری آزاد، نادر. (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین پایگاه طبقاتی و میزان شناخت افراد از ابعاد مختلف شهروندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

داودوندی، طاهره. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه طباطبائی.

ذکائی، محمدسعید. (۱۳۸۰)، «اخلاق شهروندی؛ رابطه هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگرخواهانه»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ش ۵.

_____. (۱۳۸۲)، «جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی»، *مطالعات جوانان*، س ۱، ش ۳ و ۴.

روشنفکر، پیام، عبدالحسین کلاتنری و روح‌الله فلاحی. (۱۳۸۷)، *شهروندی فعال و نظارت شهروندی؛ بررسی وضعیت مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران براساس داده‌های سامانه ۱۸۸۸*، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

_____. (۱۳۸۸)، وضعیت شهروندی در شهر تهران: مروری بر یافته‌های پژوهشی یک دهه اخیر ۱۳۸۷-۱۳۷۸، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

زاهدی، محمدجواد. (۱۳۸۶)، *نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار، تهران، مازیار*.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۶۸)، *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران.

_____. (۱۳۷۳)، *قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران.

_____. (۱۳۷۸)، *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران.

_____. (۱۳۸۳)، *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران.

سحابی، جلیل، مصطفی احمدزاده و هاشم آقاییگ‌پوری. (۱۳۸۴)، «بررسی جامعه‌شناختی شهروندی» در ایران بعد از انقلاب اسلامی ۵۷ با تأکید بر جامعه کردستان، *پیام کردستان*، ش ۲۳-۲۱.

شاه‌رکنی، نازنین. (۱۳۸۱)، موانع گسترش شهروندی سیاسی زنان: مورد زنان عضو اولین شوراها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

یوسفی، علی و مژگان عظیمی هاشمی. (۱۳۸۷)، «احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران»، *جامعه‌شناسی/ایران*، دوره ۹، ش ۳ و ۴.

Ben-Bassat, A. and M. Dahan. (2008), "Social Rights in Constitution and in Practice", *Journal of Comparative Economics* 36/1: 103-119.

Dahrendrof, R. (1994), "Citizenship and Beyond: Beyond the Social Dynamics of an Idea", in: B. S. Turner and P. Hamilton, eds., *Citizenship: Critical Concept*, London, Routledge.

Dalton, R. (2006), *Citizenship Norms and Political Participation in America*, University of California, Irvine, Center for the Study of Democracy.

Filipspagnoli. (2010), available at: <http://filipspagnoli.wordpress.com/stats-on-human-rights; stats-on-freedom; stats-on-democracy>.

FIW. (2010), available at: www.freedomhouse.org/.../FIW09_Tables&GraphsForWeb.pdf

Habermas, J. (1994), "Citizenship and National Identity", in: B. V. Steenbergen, ed., *The Condition of Citizenship*, London, Sage.

Janoski, T. (1998), *Citizenship and Civil Society*, Cambridge University Press.

Kotzian, P. (2009), *Norms of Citizenship: Their Patterns, Determinants, and Effects in Cross-national Perspective*, Technical University of Darmstadt, Institute of Political Science.

Kuper, A. and J. Kuper. (2001), *The Social Sciences Encyclopedia*, Routledge.

Marshall, T. H. (1964), *Class, Citizenship and Social Development*, New York, Doubleday & Company Inc.

_____. (1994), "Citizenship and Social Class", in: B. S. Turner and P. Hamilton, eds., *Citizenship: Critical Concept*, London: Routledge.

Marx, K. (1967), "On the Jewish Question", in: *K. Marx Early Political Writings*, Cambridge, Cambridge University Press.

Oldfield, A. (1990), *Citizenship and Community: Civic Republication and Modern World*, Routledge.

فلاح‌گر اطمینانی، میلاد. (۱۳۸۷)، بررسی مواجهه گفتمان رسانه‌ای سنتی سیاسی و گفتمان رسانه‌ای مدرن در جمهوری اسلامی ایران با مقوله شهروندی جنسیتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

قمبوانی، عباس. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه استفاده از وسایل ارتباط جمعی و روحیه شهروندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. کاستلز، استفان و آلیستر دیویدسون. (۱۳۸۲)، *مهاجرت و شهروندی*، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کاظمی، محمود. (۱۳۸۶)، *بررسی روش‌های تحقیق آموزش همگانی شهروندی*، مشهد، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری مشهد. کیویستو، پیترو. (۱۳۸۰)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

معتمدی، حمید. (۱۳۸۶)، *بررسی احساس شهروندی در بین دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

منتخب‌مدنی، مریم. (۱۳۸۴)، *بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

موسایی، میثم، پرویز پیران، ملیحه شیانی و میرطاهر موسوی. (۱۳۸۷)، *سنجش سرمایه اجتماعی در تهران*، تهران، دانشگاه تهران. شهرداری تهران.

موسوی، سید یعقوب. (۱۳۸۲)، *بررسی موانع توسعه حقوق شهروندی از نظر ساکنین کلان‌شهر تهران*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶)، *سنجش سرمایه اجتماعی در ایران*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. نجاتی حسینی، محمود. (۱۳۸۰)، *بررسی مفهوم شهروندی در قانون شهرداری‌ها*، تهران، سازمان شهرداری‌های کشور.

نجف‌آبادی، نازنین. (۱۳۸۴)، *بررسی میزان آگاهی کودکان کار و خیابان از حقوق شهروندی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

هاشمی، سهیلا، ابراهیم صالحی عمران و رقیه ولیپور. (۱۳۸۷)، «بررسی حیطه‌های شهروندی در نظام آموزش عالی از دیدگاه استادان و دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه مازندران)»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۱۱.

واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان نظام آموزش متوسطه نظری از منظر معلمان شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

- _____. (2000), "Islam. Civil Society and Citizenship: Reflections on the Sociology of Citizenship and Islamic Studies", in: A. N. Butenschon et al., eds., *Citizenship and the State in Middle East*, Syracuse University Press.
- Parsons, T. (1965), "Full Citizenship for the Negro American: A Sociological Problem", *Daedalus* 94.
- Turner, B. S. (1994), "Outline of a Theory of Human Rights", in: B. S. Turner and P. Hamilton, eds., *Citizenship: Critical Concept*, London, Routledge.